

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol. 2, No. 13, May 1991

سال دوم، شماره ۱۳، اردیبهشت ۱۳۷۰

مردم کردستان عراق قربانی نظم نوین جرج بوش

رضامقدم



مرکب نیز مرگ، همه جا مرگ. این شد سهم ملت کرد عراق در نظم نوین جرج بوش. مرگ صدها هزار نفر از مردم عراق در جنگ خاورمیانه برای تثبیت آمریکا بعنوان تنها ابر قدرت جهان کافی نبود، باید ملت کرد هم آواره و هزاران نفر از آنها قربانی می شدند تا روشن می شد که محتوای این نظم نوین چیست و هیاهوی "دمکراسی و حقوق بشر" حربه‌ای علیه اردوگاه رقیب شرق بود و نه هیچ چیز دیگر.

این سرنوشت ملتی شد که رهبران ناسیونالیست و کوتاه بینش آن را به سرنوشت جنگ در خاورمیانه، منافع آمریکا و امپریالیستها و نظم نوین جرج بوش گره زدند. در جنگ خاورمیانه کنار آمریکا و متحدینش ایستادند و به تفرقه ملی میان کرد و عرب دامن زدند و جنبش کردستان عراق را قربانی ناسیونالیسم کرد و نظم نوین امپریالیستی جرج بوش ساختند.

با بحران خاورمیانه، آمریکا و متحدینش رهبران جنبش کردستان عراق را از باز گذاشتن راه مذاکره با رژیم عراق منع کردند و از "شرط بندی روی اسب بازنده" باز داشتند و آنگاه که به مقاصد خود رسیدند، رهبران جنبش کردستان عراق را رها بقیه در صفحه ۷

کوچ چند میلیونی یک ملت که نروشان را در پتو هایی پیچیده اند، آوارگی شان در کوههایی که هنوز خورشید بر برفهای زمستانی آن چیره نشده است، مرگ از گرسنگی، بیماری و سرما که اغلب کودکان و سالخوردهگان را طعمه خود می سازد، بالا رفتن از سنگلاخها با چوب زیر بغل، کول کردن برادر دو ساله که تنها چهار سال از تو کوچکتر است با پاهایی برهنه و یخ زده در جاده های کوهستانی، چشم دوختن به آسمان و انتظار دریافت غذای ارتشهایی که آذوقه کشتارهای وسیعتری را با خود آورده بودند و چون قربانیان تاب مقاومت بیشتری نداشتند زیادی آمده است، شلاق خوردن از مفسمان نان و پتو بچرم اینکه دیگر تاب گرسنگی و سرما را نداری، مرگ کودکان بی گناه برای گناه ناکرده والدیشان، کندن گور برای دفن پاره وجودت که روی زانوی همسرت در پتویی که شب گذشته تنها رواندازتان بوده آرهمده است، التماس به سربازان ترکیه برای عبور از مرزی که امپریالیستها بین ملت کشیده اند تا کودک بیامارت را به دکتری برسانی، مردن در آب رودخانه طغیان کرده ای هنگام فرار از مرگ، ایستادن، مرگ و هنگام فرار از

تلاش خانه کارگر جمهوری اسلامی برای فریب اتحادیه های کارگری اروپا

بین المللی کار که در اواخر خرداد ماه سال گذشته در ژنو برگزار شد، از ایران علاوه بر وزیر کار و نمایندگان کارفرماها، علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر نیز در راس هیاتی بعنوان "نمایندگان کارگران ایران" شرکت کردند.

یک مقام بلند پایه اتحادیه های کارگری اروپا (که نخواست نامش فاش شود) که این خبر را در اختیار کارگر امروز قرار داد گفت که رژیم ایران برای جلوگیری از مطرح شدن اعتراضات علیه جمهوری اسلامی در کنفرانس سالانه سازمان بین المللی کار این دیدارها را تدارک دیده اند.

بدنبال اعتراضات اتحادیه های کارگری به اعدام فعالین جنبش کارگری ایران و همچنین مطرح شدن اخراج جمهوری اسلامی از "سازمان بین المللی کار"، رژیم اسلامی و خانه کارگر ایران بزودی یک هیئت دوازده نفره را اعزام اروپا خواهد کرد تا با مقامات اتحادیه های کارگری چندین کشور اروپایی دیدار کنند.

بقیه در صفحه ۲

کارگران خدمات شهری آمریکا جمهوری اسلامی را بشدت محکوم ساختند

"نظر به اینکه رژیم ایران: حق اعتصاب را برسمیت نمی شناسد، حق تشکل آزادانه را برسمیت نمی شناسد، صدها تن از فعالین کارگری را اعدام و هزاران نفر دیگر را زندانی کرده است، مداوما حرکات و اعتصابات کارگری را سرکوب ساخته است، شرایط کار و زندگی بسیار نازل را به کارگران ایران تحمیل کرده است،

مرکز خبری کارگراسروز: اتحادیه کارگران خدمات شهری آمریکا، "یو. دی. یو. دی. یو. ای"، بخش ۱۳۲، که ۵ هزار کارگر را نمایندگی می کند در جلسه ماه آوریل ۹۱ خود طی قطعنامه ای جمهوری اسلامی را بدلیل نقض همه جانبه حقوق کارگران ایران بشدت محکوم ساخت و به دفاع از حقوق کارگران ایران برخاست. متن کامل این ادعاینامه که به همت فعالین حزب کمونیست ایران در آمریکا به تصویب رسید از این قرار است:

صفحه ۹

گنگو بارضامقدم

آغاز دومین سال انتشار کارگر امروز

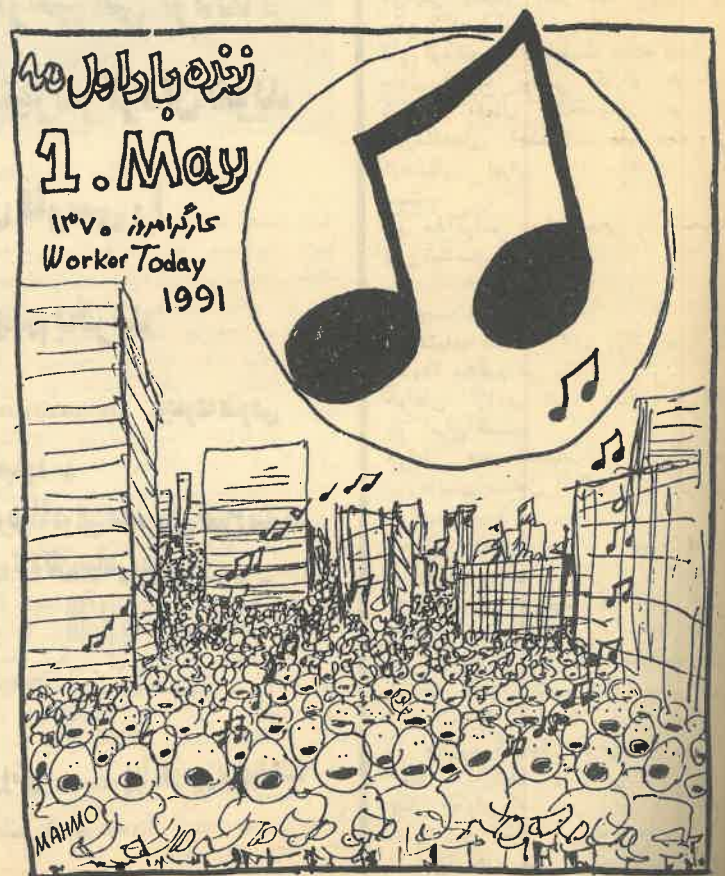
بیش از هزار کارگر در اثر ناامنی محیط کار کشته شدند

مرکز خبری کارگراسروز: "خواجه نوری" معاون وزیر کار در گفتگویی با خبرنگاری جمهوری اسلامی در سیام بهمن ماه گذشته اعتراف کرد که طی سال ۶۸ حوادث ناشی از کار منجر به مرگ ۱۰۰۷ کارگر گردیده است. وی گفت که کل حوادث کار ۲ هزار مورد بوده است، و بیش از ۵۰ درصد حوادث منجر به مرگ کارگران شده است.

این آمار حتی با آمارهای رسمی چند سال گذشته، از جمله سال ۶۸ که بین ۱۷ تا ۲۰ هزار سانحه به ثبت رسیده را گزارش کرده بود، خوانائی ندارد و قطعا تنها بخش بسیار کمتری از قربانیان بشمار شرایط کار در سال ۶۹ را در بر می گیرد.

جنبش کردستان عراق و جنگ خاورمیانه

صفحه ۷



کنگره کنفدراسیون کارگران ترکیه مقیم در اروپا:

همبستگی با طبقه کارگر ایران

مركز خبری کارگراسیون اروپا، "اتیک"، که از ۲۹ تا ۳۱ مارس ۹۱ با شرکت حدود ۴۰۰ نماینده و مهمان در شهر فرانکفورت آلمان برگزار گردید، قطعنامه‌ای در محکومیت جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزه کارگران ایران به تصویب رسید.

در این قطعنامه که در پی تلاش تعدادی از فعالین حزب کمونیست ایران در شهر "وترلو کرایز" آلمان به کنگره مذکور پیشنهاد شد، ضمن تاکید بر هم سوختن کارگران تمام جهان و از جمله کارگران ایران و ترکیه، فقدان حق تشکل و اعتصاب برای کارگران در جمهوری اسلامی ایران محکوم گردیده است.

طی یک کنگره اضطراری

شوراهای اسلامی از تصویب قانون کارسپاسگاری کردند

اتحراف و انحلال شوراهای اسلامی کار" به تصویب رسید. در پایان این کنگره اضطراری که یک روز جریان داشت، قطعنامه‌ای در شش ماده به تصویب رسید که طی آن ضمن اعلام مجدد "حمایت قاطع از ولایت فقیه" از تمامی مراجع قانون گذاری بخاطر تصویب قانون جدید کار جمهوری اسلامی سپاسگزاری شده است.

مركز خبری کارگراسیون اروپا در جلسه "کانون عالی شوراهای اسلامی"، به ناگهان اعلام شد که ظرف یک هفته و در روز هشتم اسفند ماه "کنگره فوق العاده شوراهای اسلامی" با حضور اعضای اصلی و علی البدل کانونهای شوراهای اسلامی و ۱۰ درصد شوراهای اسلامی هر استان و با حضور مسئولین برگزار می گردد. "محبوب" دبیر کل خانه کارگر دلایل تشکیل عجلانه این اجلاس اضطراری را "تعیین سیاست در قبال مسایل کار و کارگری" و "تهیه آئین نامه‌ای قانون کار جدید" خواند.

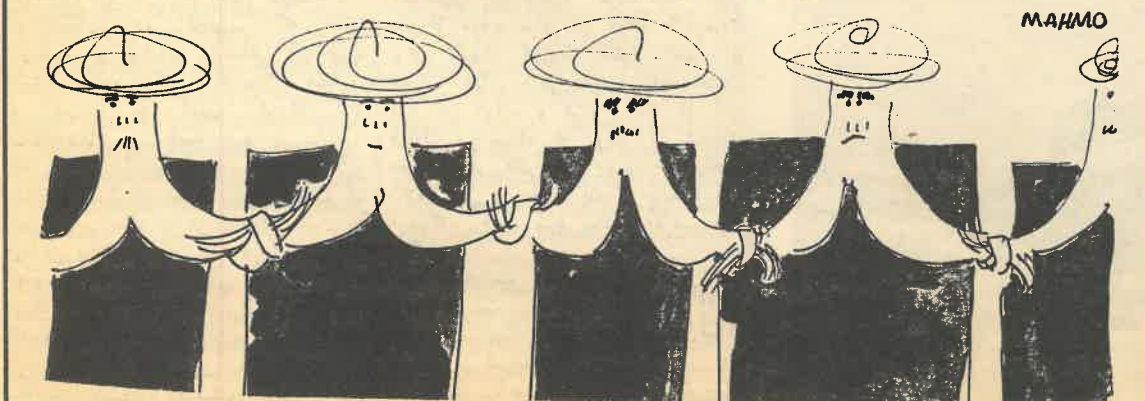
تلاش خانه کارگر جمهوری اسلامی برای فریب ...

علیرضا محبوب در گفتگویی با نشریه "کار و کارگر" پیرامون این کنفرانس گفت "در نظر داشتیم که جهت حضور در هیات مدیره سازمان زمینه سازی کنیم و اعلام کاندیداتوری کنیم. اما چون می دانستیم که احتمال انتخاب امسال وجود ندارد، تبلیغات لازم را جهت ساهای آتی انجام دادیم. وی همچنین گفت خانه کارگر، که جمهوری اسلامی آنرا "نماینده کارگران ایران" معرفی می کند، دو بورس آموزشی از سازمان بین المللی کار دریافت کرده است. محبوب گفت در زمینه فعالیتهای خارجی، هیات اعزامی خانه کارگر دو موضوع را دنبال می کرده است، اول تلاش برای تشکیل اتحادیه کارگران مسلمان و دوم تلاش برای تشکیل اتحادیه کارگران آسیا.

بقیه از صفحه ۱
بین المللی کار که نسخهایی از آن برای سازمان بین المللی کار نیز ارسال شده است "زمینه چینهایی" آقای محبوب دبیر کل خانه کارگر را بر باد داده است. نامه خانه کارگر و سفارتخانههای جمهوری اسلامی در واکنش به اعتراض اتحادیههای کارگری که در آن از جمله خواستار بازدید از ایران و بررسی وضع کارگران شده بودند نیز از همینجا مایه می گیرد. آقای محبوب که سال گذشته برای رفتن در هیئت مدیره سازمان بین المللی کار "زمینه چینی" می کرد امسال با قطعنامههای چندین اتحادیه کارگری اروپایی برای اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان مواجه شده است.

(معراج الدین خان) و (علیرضا محبوب):

تلاش برای ایجاد اتحادیه اسلامی کارگران دنیا



یک ضرورت است. وی افزود: "متأسفانه هر بار که این حرف را بویژه در مجامع بین المللی مطرح کرده‌ایم بجای آنکه بدنیاال محتوای این فکر باشد، در فکر ظاهر سازی بوده‌اند." وی به اینگونه تماشیا ابراز امید کرد و گفت که "اکنون در کشور همسایه ترکیه نیز شاهد رشد اتحادیه "حق آیش" هستیم که اتحادیه‌ای با تمایلات اسلامی و علاقمند به این فکر است!" معراج الدین خان در مورد چگونگی شکل گیری "ان.ال.اف" ضمن اذعان

بقیه از صفحه ۱

کارگران خدمات شهری آمریکا ... قوانینی تبعیض آمیز علیه کارگران زن وضع کرده است، کار کودکان را قانونیت داده است، جمال چراغ ویسی کارگر خدمات شهری، فعال اتحادیه‌ای و از سازماندهان اجتماعات اول مه در کردستان ایران را، اعدام کرده است، حق مذاکرات دسته جمعی را برسمیت نمی شناسد.

بدنبال کتابفروشی فارسی می گردید؟ لازم نیست در اطراف شهر سرگردان شوید انواع کتابهای فارسی را از مرکز استکلم بخیرید

کارگر امروز نشریه انترناسیونالیستی کارگری WORKER TODAY An International Worker's Paper Editor: Reza Moqaddam

کارگزار امروز

جمهوری اسلامی حضور زنان در اجتماعات اول مهر را تحمل نمی کند

خیلی از زنان خواهان عضویت در اتحادیه صنعتگر سندج بودند

شهر کریمی کارگر قالبیاف از شهر سندج است. بخاطر فعالیتی که نمیشد و او در متحد کردن کارگران داشتند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و در سال ۶۸ به خارج از کشور عزیمت کردند. وی از ۱۰ - ۱۲ سالگی قالی بافی کرده است:

سوال را از خودمان می کردیم که چرا ما باید همیشه در این جامعه کار کنیم و ثمرات کارمان به جیب آدمهایی برود که هرگز دست به سپاه سفید نمی زنند و از همه گونه امکانات برخوردارند. من همیشه همکاران و آشنایانم را به اعتراض علیه زور گوئی رژیم اسلامی و بی حقوقی کارگران دعوت می کردم. در مبارزات محلات نقش داشتم، مثلا علیه نیروهای شهرداری که همیشه برای خراب کردن خانه‌ها حاضر بودند. در میتینگهای اول مهر از سال ۶۶ تا ۶۸ شرکت و نقش داشتم، چه در تبلیغ برای شرکت کردن در اجتماع اول مهر چه بسته بندی شیرینی مخصوص اول مهر و کارهای تدارکاتی دیگر. عضو صندوق تعاون مالی کارگری بودم. صندوق تعاون مالی دهها کارگر عضو داشت. اگر کسی مریض می شد، ازدواج می کرد، بچه دار می شد، می خواست خانه‌اش را تعمیر کند و خلاصه احتیاج ضروری پیدا می کرد صندوق به او قرض می داد. البته صندوق ما فقیر بود و پول زیادی نداشت ولی مهم این بود که به این بهانه دورهم جمع می شدیم و یا مثلا به پیک نیک می رفتیم. خیلی از زنها هم عضو صندوق بودند و هر جمعه جمع می شدیم و راجع به مسائلمان حرف می زدیم. او بیاد جمال چراغ ویسی سخنگوی اول مهر ۶۸ می افتد و می گوید که او را از نزدیک می شناخته است. - جمال فقط به جرم سخنرانی در روز اول مهر و یا عضویت در یک شکل کارگری اعدام شد. از همه کارگران سراسر جهان می خواهم اعدام

او، و جمهوری اسلامی را محکوم کنند. زنان و اجتماعات اول مهر

هر کسی که چیزی در باره موقعیت بسیار تحت ستم زنان در ایران بداند، می تواند تصور کند برگزاری اجتماعی چشم در چشم نیروهای نظامی و امنیتی رژیم اسلامی که زنان همراه مردان در آن شرکت می کنند و خواست برابری زن و مرد در سخنرانیها و قطعنامه آن مطرح می شود. مورد من نیست. من فقط ۳۷ دقیقه اجرا می کنم. ■

زنها سرود خواندند و سایرین او را بسنار تشویق کردند. من خودم در سال ۶۶ خواهان این شدم که سخنرانی کنم. اما گفتند که این کار خطرناک است ممکن است مورد حمله جمهوری اسلامی قرار بگیریم. جمهوری اسلامی نمی تواند حضور زنان را در اجتماعات عمومی تحمل کند. نماینده وزارت کار گفته بود که حتی باید در سالن پرده کشیده شود تا زنها و مردها همدیگر را نبینند. بعضی از افراد محافظه کار در هیات برگزاری جشن اول مهر موافق این بودند که بخاطر "امنیت" اجتماع به این خواست جمهوری اسلامی باید کردن گذاشت. اما اکثریت اعضای هیات به تهدیدهای جمهوری اسلامی اهمیت ندادند. با این وصف در مراسم سال ۶۷ زنها غالبا در یکطرف سالن نشستند، و سال بعد اینهم نماند. - سرور - شب ۱۶ آوریل مذاکرات به نتیجه نرسد از ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۱۷

تغییر در وضعیت زنان - برخورد با زنان در خانوادهها متفاوت است. در اکثر خانوادهها اینطور است که همیشه خانه داری و بچه داری و سایر کارهای خانه به زنان سپرده می شود. حتی وقتی زن و مرد هر دو بیکار و در خانه باشند مرد از خانه بیرون می رود و در قهوه خانه می نشیند، اما زنان مشغول کار در خانه هستند. کم نیستند مردانی که حتی اجازه نمی دهند زنانشان بدون اجازه آنها بیرون بروند. و یا اینکه خجالت می کشند اگر همسایه به آنها بگوید که چرا زنت طبق دستورات تو رفتار نمی کند. یادم نمی رود روزی خانه یکی از آشنایانم رفته بودم. شکایت می کرد که روز گذشته فرش می بافته و بچه کوچکشان از خواب بلند شده و گریه کرده بود. او بچه را به کوچه نزد پدرش برده بود. اما شوهرش عصبانی شده بود. "چرا پیش چشم همسایه بچه بزل من می دهی، این عیب است." این در حالی است که شوهر او از آنهاست که می گوید زن و مرد فرقی ندارند و برابری با اینهمه وضعیت زنان در خانواده خیلی تغییر کرده است. مثلا الان دیگر اغلب زنان به میل خودشان ازدواج می کنند، اجبار در ازدواج و ترس از پدر و مادرها خیلی کم شده. خیلی دخترهای بیست و پنج - شش ساله را می توانی پیدا کنی که ازدواج نکرده اند و می گویند شوهر دلخواهشان را پیدا نکرده اند. روابط در خانوادهها بهتر شده است. خیلی از زنها خانه دار شروع کرده اند به درس خواندن، خیلی از دخترهایی را که در بچگی نگذاشتند به مدرسه بروند حالا درس خواندن را شروع کرده اند. وضعیت زنان طی دو سه سال اخیر با مثلا ده سال پیش قابل مقایسه نیست. زنها با وجود فشار هرروزه جمهوری اسلامی و سنتها پیشرفت کرده اند. □

پیروزی نظامتچیان لس آنجلس



مرکز خبری کارگزار امروز: "عدالت برای نظامتچیان" کمیته اتحادیه کارگران خدمات که برای اتحاد نظامتچیان در سراسر آمریکا بهارزه می کند به یک پیروزی بزرگ در شهر لس آنجلس دست یافت. به گزارش نشریه کارگری "لیبر نتز" پاپ آمریکا، روز ۲۵ فوریه، شرکت خدمات ساختمانی "برادفورد" سرانجام از چه اهمیتی برخوردار است. "شهر کریمی" در این باره می گوید: - زنان بخش زیادی از شرکت کنندگان را تشکیل می دادند، خودشان دلسوزانه برای برگزاری اجتماعات اول مهر پول جمع می کردند و یا در تبلیغ و تدارک آن شرکت می کردند. حتی در سال ۶۸ یکی از

خوبی از زنها می خواستند عضو "اتحادیه صنعتگر" (که توسط خود کارگران و غیرهم همه تهدیدهای جمهوری اسلامی بوجود آمده بود)، بشوند و در جلسات آن شرکت کنند. اما سایرین می گفتند که هنوز کمی زود است. رژیم اینچور کارها را کار کمیونستها و کومله می دانست و شدیداً به آن حساس بود.

جمهوری اسلامی در پی ایجاد حس مالکیت در کارگران

طبق پیش نویس مصوبه دولت، ۳۳ درصد سهام کارخانجات دولتی به کارکنان آن تعلق می گیرد. وی گفت: "واگذاری سهام اقدامی است برای محکم کردن بندهای انقیاد سرمایه بر دست و پای کارگران مطرح بوده است. در بهمن ماه گذشته "مهدی علی اکبر" رئیس سازمان مالی گسترش مالکیتهای تولیدی اعلام کرد که

مرکز خبری کارگزار امروز: "واگذاری سهام کارخانجات به کارکنان" از زمان شاه بعنوان راهی برای محکم کردن بندهای انقیاد سرمایه بر دست و پای کارگران مطرح بوده است. در بهمن ماه گذشته "مهدی علی اکبر" رئیس سازمان مالی گسترش مالکیتهای تولیدی اعلام کرد که

۲۵٪ تخفیف برای مشترکین کارگر امروز

مشترکین میتوانند کتاب "کار ارزان، کارگر خاموش" را با ۲۵٪ تخفیف (با هزینه پست معادل ۶۰ کرون سوئد) از مرکز آبونمان نشریه دریافت کنند.

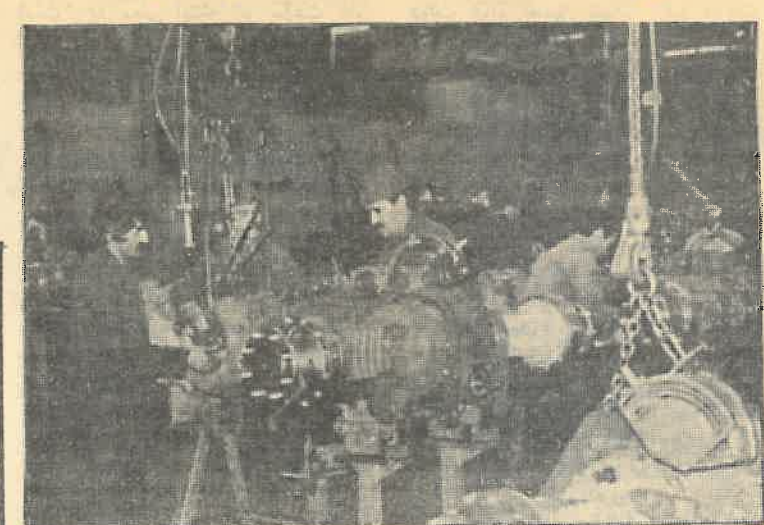
"کار ارزان، کارگر خاموش" مرکز بررسی طرح قانون کار جمهوری اسلامی



شرکت کنندگان در مرکز: ابرج آذین، حامدقوایی، ناصر جاوید، منصور حکمت، شهلا دانشفر، رضا مقدم، مصطفی صابر، انتشارات سامان - مهرماه ۶۹، ۳۳۰ صفحه

مراکز فروش کارگر امروز آرایش - وین آلمان دانمارک فرانسه کوسک کوسک

کارگران کارخانه تراکتور سازی: هنوز دستمزدها اضافه نشده، قیمتها بالا رفته است



کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز

طبقه بندی مشاغل که از سال ۶۴ به اجرا درآمده به کارگران پرداخت نشده است. از طرف دیگر شنیدم که از سال ۷۰ می خواهند ۲ هزار تومان به حقوقها اضافه کنند. اما هنوز سال ۷۰ نپایان یافته اجناس گران شده است. مثلا گوشت به ۲۵۰ تومان رسیده است. در کارخانه "موتورسازان تراکتور سازی" با ۵۰۰ کارگر، تعداد زیادی روزمزد هستند و دستمزد بسیار پایینی دارند. از جمله "محمد حسینعلی پور" می گوید: روزمزد هستم و ماهیانه با اضافه کاری ۴۸۰۰ تومان دریافت می کنم. چهار سال است که ازدواج کرده ام و ۴ هزار تومان اجاره خانه می دهم. بنده ۲۰ درصد نقص عضو دارم و از مسئولین تقاضا دارم که جایبازان را در قسمتهایی با ماشین آلات سنگین و پر سر و صدا به کار نگیرند. در مجتمع تراکتور سازی تبریز تعاونی مصرف وجود دارد که حدود ۴ هزار نفر عضو آن هستند، اما کارگران غالبا از عملکرد تعاونی مصرف و

مجتمع تراکتور سازی تبریز در حدود پنج هزار و هفتصد نفر کارگر دارد و در شرکتها "تراکتور سازی ایران"، "ریخته گری تراکتور سازی"، "موتورسازان تراکتور سازی"، و "آهنگران تراکتور سازی" مشغول به کار هستند. تولید سالانه این مجموعه، که از سال ۱۳۳۷ آغاز به کار کرده، در حدود ۲۰ هزار دستگاه تراکتور (ام.اف ۲۸۵ "مسی فرگوسن" انگلیسی، و "یو ۶۵۰" رومانیایی است. کارخانه اصلی تراکتور سازی به تنهایی حدود سه هزار و هشتصد پرسنل دارد، که حدود ۱۵۰ نفر آنها دارای تحصیلات دانشگاهی، ۹۰ نفر فوق دیپلم، نزدیک به ۷۰۰ نفر دارای دیپلم و بقیه، بجز ۳۰۰ نفر که مطلقا بیسواد هستند، تحصیلات ابتدایی دارند. در گفتگویی که روزنامه کار و کارگر، ناشر افکار شوراهای اسلامی، در بهمن ماه گذشته با تعدادی از کارگران تراکتور سازی داشت، کارگران بر پایین بودن سطح دستمزد به نسبت هزینه زندگی بویژه مسکن، تاکید داشتند. "صادق پور عباسی" با ۹ سال سابقه کار تنها ۶ هزار تومان دریافتی دارد. کارگر دیگری می گوید: "با ۷ هزار تومان حقوق، ماهیانه باید ۳ هزار تومان اجاره خانه بدهم". وی در اعتراض به عملکرد تعاونی مسکن اضافه می کند: "مدت سه سال است که ۷ هزار تومان به حساب تعاونی واریز کرده ام ولی هنوز خبری نیست". یکی از کارگران کارگاه "ام.اف" که ۲۱۰ نفر در یک شیفت در آن مشغول بکارند می گوید: "پانزده سال سابقه کار دارم و ۷ هزار تومان حقوق می گیرم که ۵۶۰ تومان آن بابت حق بیمه کسر می شود. از دولت تقاضا دارم که نسبت به کاهش قیمتها اقدام کند تا ما بتوانیم با این حقوقهای اندک به زندگی ادامه بدهیم". کارگر دیگری از همین بخش با ده سال سابقه کار و حدود ۶ هزار تومان دریافتی اضافه می کند: "هنوز مابه تفاوت طرح

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

خبر امروز

اخبار کوتاه

بریتانیا،

افزایش بیکار سازی

در اواخر ماه مارس یک کمپانی برق در شمال بریتانیا اعلام کرد که در ۵ سال آینده ۵۰۰ شغل در این بخش از بین خواهد رفت. زغال سنگ بریتانیا نیز هشدار داد که با پسته شدن معدن زغال سنگ در ولز ۶۰۰ نفر بیکار خواهند شد. در طی ۶ ماه گذشته ۹۰۰ نفر در صنایع لوکاس بیکار شده‌اند و در ۶ ماه آینده نیز ۱۸۰۰ نفر بیکار خواهند شد. *

برزیل،

اعتصاب کارگران فلز

روز ۱۵ آوریل کارگران فلز در مهمترین مناطق صنعتی برزیل اعتصاب نامحدودشان را برای افزایش دستمزد آغاز کردند. اعتصاب کارگران فلز در شهر "سائوپولو" تولید را تعطیل ساخت و تولید در صنایع اتومبیل سازی را راکد کرد و فقط کارخانه کمپانی فیات واقع در ایالت "میناس گرز" به کار ادامه می دهد. *

اسپانیا،

اعتصاب ۲۵ هزار کارگر

روز ۸ آوریل ۲۵ هزار کارگر و کارمند شاغل در پمپ بنزینهای اسپانیا دست به یک اعتصاب ۴ روزه زدند. بر اثر اعتصاب در چندین پمپ بنزینی که به کار ادامه می دادند صف های طولانی ایجاد شد. *

انگلستان،

اعتصاب کارگران بخش خدمات

روز ۱۶ آوریل، ۲۵ هزار کارگر بخش خدمات شهرداری در لیورپول در اعتراض به طرح بیکار سازیها در این بخش اعتصاب سه روزه را آغاز کردند. شهرداری تصمیم دارد برای موازنه بودجه هزار نفر کارگر را بیکار کند. *

کاهش اعضای

اتحادیه های کارگری در انگلستان

طبق آمار که توسط "اداره گواهی اتحادیه های کارگری" و انجمن کارفرماها" روز ۱۶ آوریل به چاپ رسید، تعداد اعضای اتحادیه های کارگری در سال ۱۹۸۹ حدود ۳۴۴ هزار نفر کاهش یافته است. در صنایع مانیفستور و بویژه در اتحادیه مهندسی "آمالگامتد" سیر نزولی شدیدتر بوده و این اتحادیه بیش از ۵۲ هزار نفر از اعضای خود را از دست داده است. به تعداد اعضای برخی از اتحادیه ها از جمله اتحادیه تکنیسین ها، ۳ درصد افزوده شده است. *

بیکار سازی

در کمپانی فیلیپس

کمپانی غول پیکر فیلیپس که یک کنسرن هلندی است در صدمین سالگرد تأسیسش با بحران عمیقی روبروست. بیان سال ۱۹۹۰ این کنسرن نمایانگر ضرری به میزان ۴/۲ میلیارد گولدن معادل ۳/۸ میلیارد مارک است. برای جبران این ضرر فیلیپس در نظر دارد ۵۵ هزار کارگر را در سراسر دنیا بیکار کند. *

بزرگ هم بودند از آن بی بهره بودند. این وضعیت حتی در اروپا، آمریکا و ژاپن هم صادق است. مثلا در آلمان ساعت کار، تعطیلات، مزد و بسیاری مزایای دیگر همگی متفاوت می باشد. در نتیجه این استدلال دلیلی برای رد ۳۵ ساعت کار و هر مطالبه دیگر نیست.

۶ - نکته اصلی استدلال دوست ما یدالله برای رد ۳۵ ساعت کار و بعبارتی تقلیل ساعت کار، چنین است: "با توجه به رشد ناموزون سرمایه داری ایران و وجود صنعت پیشرفته در کنار قرون وسطایی ترین تکنولوژی و ناهمگونی و توان اقتصادی واحدهای تولیدی شعار ۳۵ ساعت کار مسئله روز کارگران ایران نیست." کاهش ساعت کار مقدور نبوده مگر آنکه انقلاب و یا تکانی جدی در امر

روشن از موزونی و همگونی به کارگران ایران می توانید بدهید که ۲۰ سال دیگر و یا نسل بعدی می توانند به آن روز موعود برسند که آنوقت احساس کنند که آهان حالا نوبت ماست. ثابا، در کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن هم این ناهمگونی بدرجای وجود دارد. نگاه کنید به کار کارگران ترک، عرب و جهان سومی که چگونه در کنار تولید مدرن، از آنها شاق ترین، خطرناک ترین و به عقب مانده ترین شکلی کار کشیده می شود. گذشته از آن "توان اقتصادی پائین است" به معنی اینکه اگر ساعت کار تقلیل پیدا کند (تازه دولت هم پشتش باشد) کارفرماها ضرر می کنند! و چرخ کارخانه نمی چرخد! اگر اوضاع چنین است و ما باید آنرا بپذیریم، دیگر بحث حول تقلیل ساعت کار نیست، بلکه بحث حول کل مطالبات و خواسته های کارگری است و آنجاست که کارگران باید با جان و دل کار کنند! کمتر مزد بگیرند! بیشتر کار کنند! پاداش و مزایا نخواهند! کمتر مرخصی بروند! جلوی ضایعات را بگیرند! کمتر تنق بززند! تازه ارگانهای بوجود بیاورند که "جلوی اخلاص در تولید را بگیرند". آیا در چنین چمنی کارگران مشاورین بی چیره و موافق کارفرما نشده اند؟ به امید روزی که گل و بلبل از سروکله سرمایه ببارد و بعدا تکه نانی به آنها از زانی گردد؟ آیا این حتی نزول از سندیکالیسم رسمی هم نیست؟ مگر غیر از این است که سندیکالیسم رسمی معتقد است که "ضمن تفاهم و سازش با کارفرما برای حفظ منافع اعضایش تلاش و مبارزه می کند". گذشته از آن چرا برای تقلیل ساعت کار باید حتما "انقلاب و یا تکان" تکنولوژیک صورت بگیرد. آیا کارگران کارخانه نساجی وطن اصفهان که در سال ۱۳۱۰ اعتصاب کردند و ساعت کار را از ۱۲ ساعت به ۹ ساعت تقلیل دادند، انقلابی تکنولوژیک در کارخانه آنها صورت گرفته بود؟ آیا در سال ۱۳۲۵ که کارگران ایران بیچای ۱۲ ساعت ۸ ساعت کار را به دولت وقت تحمیل کردند، تکانی تکنولوژیک در ایران صورت گرفته بود. آیا بعد از انقلاب ۵۷ که ساعت کار در بخشهایی از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت تقلیل پیدا کرد تکانی تکنولوژیک صورت گرفته بود؟ آیا الان که جمهوری اسلامی به جای ۴۸ ساعت ۴۴ ساعت را پذیرفته، از طرف "امداد غیبی" انقلاب انفورماتیک صورت گرفته است، آیا اگر ما رسیدن به ساعت

نامه

به سردبیر

نامهایی که به قصد درج در این ستون ارسال می شوند باید:

- ۱- کوتاه باشند
- ۲- تایپ شده یا کاملا خوانا باشند
- ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، تصریح شود تا امضاء محفوظ بماند
- ۴- کارگزاران در انتخاب و تلفظ نامها آزاد است.

در باره مطالبه ۳۵ ساعت کار واقع بینی برای چه کسانی؟

سردبیر کارگر امروز!

در نشریه کارگر امروز شماره ۱۱ نوشته ای از دوست کارگرمان یدالله خسروشاهی چاپ شده است. این نوشته در نقد مطلبی بود که در نشریه شماره ۱ کارگر امروز در دفاع از ۳۵ ساعت کار (زنده باد ۳۵ ساعت کار - نوشته مصطفی صابر) چاپ شده بود. بنظرم هر دو مطلب دارای اشکالاتی می باشند، بخصوص نوشته دوستمان یدالله که دارای اشکالاتی تندیذ و عمیق می باشد. در این نوشته به آن می پردازم و در کنار آن درک اثباتی خودم را توضیح می دهم. من محدودیت صفحات نشریه شما را درک می کنم و به همین دلیل مطالب را کوتاه و مختصر بیان می دارم و از توضیح مفصل و پرداختن به همه نکات پرهیز می کنم. دوست ما یدالله قبل از پرداختن به بحث ساعت کار، راجع به گروه های سیاسی ایران در گذشته و حال می نویسد: "بدنبال بیماری چپ روی که سالها بر بخش قابل توجهی از جنبش چپ حکمفرما بود، ضد خود را بوجود آورد و اکنون قدرگرای، تسلیم حوادث شدن، بی سیاست و بی عمل ماندن و نفی هرگونه مبارزه طبقاتی و امید به استحاله رژیم خونخوار اسلامی تحت لوای منافع عموم بشری و حفظ محیط زیست به اندیشه و عمل بخش قابل توجهی از نیروهای چپ تبدیل شده است. بطور واقعی این نگرش ارزیابی درستی از وضعیت گروه های چپ ایران در گذشته و حال ندارد.

۱ - تا آنجا که به گروه های سیاسی ایران برمی گردد بخصوص در زمانی که دوست نویسنده ما منظور دارد، هیچ وقت "چپ روی" حاکم بر گروهها و اشکال کار آنان نبوده است. بخصوص اگر از زاویه منافع طبقه کارگر بعنوان تولید کننده اصلی جامعه و انسان آزاد و عاری از قید و بند بزرسی را آغاز کنیم، خواهیم خواهیم دید که تنها "چپ و چپ روی" بلکه راست روی و عقب ماندگی و بی ربطی به سرنوشت و رهایی کارگر چهره اصلی آنهاست. آنها جریانهای ناسیونالیست، وطن پرست و ملی گرا بودند. سمپاتی نسبت به مذهب، روحانیت و خمینی داشتند! هیچگونه فکری به نهاد خانواده (بعنوان یکی از ارکان حاکمیت سرمایه داری)، مردسالاری و سن و رسم و رسوم کهن نداشتند. هدفشان حاکمیت خلق، رکن و شکوفایی سرمایه داری مستقل و ملی بود! فاقد نقد و پراتیکی سوسیالیستی و ریشه های نسبت به روابط سرمایه داری بودند! در اتفاقات و وقایع جاری در جامعه فاقد نقد و پراتیکی رادیکال بودند، مانند برخورد به انقلاب ۵۷، برخورد به دولت موقت، مسئله زنان و حجاب اجباری، جنبش خلقهای تحت ستم، قضیه سفارت، جنگ و...

۲ - قدرگرای توضیح وضعیت فعلی آنان نیست، ققی مبارزه طبقاتی، فعل بستن به استحاله رژیم دلیل قدرگرای بی سیاسی و بی عملی نیست. اتفاقا فعالیت آنها عین سیاست و عین عمل است. آنها کاملا از روی آگاهی و نسبت به هوای آلوده و خفه کننده تهران حساس باشند؟

۴ - در نوشته برای اینکه زمینه عدم پذیرش ساعت کار کمتر را توضیح دهد، چنین آمده: "بنا به آمارهای مختلف بخش بزرگی از کارگران ایران در صنعت فرش کار می کنند که عموما با همان تکنولوژی دوران شاه عباس به کار مشغول هستند." به لحاظ آماری این نکته نادرست است. اولاً، بخش بزرگی از کارگران ایران در تولید فرش مشغول به کار نیستند، بلکه بخش کوچکی از کارگران ایران را شامل می شود، چیزی شبیه به کارگران نانوایی و حتی کمتر از کارگران ساختمانی. دوما، تولید فرش با تکنولوژی زمان شاه عباس نیست، تولید فرش حتی با ۳۰ سال پیش هم قابل مقایسه نیست، چه در زمینه تولید و تهیه پشم و نخ، رنگرزی، نقشه کشی، تولید مستقیم فرش، توزیع و... بخصوص در شرکتها و کارگاههای بزرگی مانند "شرکت ملی فرش ایران".

۵ - در نوشته یکی از دلایل رد "شعار ۳۵ ساعت کار" بدین گونه آمده: "اولا این شعار و شعارهای نظیر آن را نمی توان برای کل کارگران ایران صادر کرد چرا که سطح تکنولوژی در واحدهای مختلف بسیار متفاوت است." اولاً، این تفاوت سطح تکنولوژی خاص سرمایه داری ایران نیست، مختص به شرایط فعلی هم نیست، از قدیم بوده و حالا هم خواهد بود. دوما، این قضیه کاملا روشن است که کارگران یک کشور همگی، معمولا به یک خواست واحد در آن واحد نمیرسند (نویسنده مقاله قبلی - مصطفی صابر - هم چنین درکی را ارائه نمی دهد). همیشه بخشی از کارگران که بنا بدلیل مختلف امکان اعتراض و تحقق یک خواسته را داشته اند، به مطالبه ای دست می یابند و سپس کل کارگران از آن بهره مند می شوند. بعنوان مثال در زمان شاه، بیمه درمانی، تعطیلی جامعه و اول ماه مه و سالانه، ۸ ساعت کار و بسیاری دیگر که تا حدودی استاندارد بخش مشکل واحدهای تولیدی بود و به لحاظ قانونی ۳۰ سال کل طبقه کارگر ایران جاری نبود و کارگران فصلی، ساختمانی، کشاورزی و کارگاههای کوچک عملا بی بهره و حتی بی خبر از چنین حقوقی بودند، و یا بعد از انقلاب که بخشی از کارگران به ۴۰ ساعت دست یافتند ولی بخشهای دیگر حتی کارخانه هایی که

ناصر یادگار - از آلمان

بریتانیا، پیروزی کمپین ۳۷ ساعت کار در هفته

اعتصاب کارگران راه آهن آمریکا

آوردیل اعتصاب را آغاز خواهند کرد. روز ۱۵ آوریل، رئیس جمهور آمریکا از صنایع راه آهن خواست تا از اعتصاب جلوگیری کنند زیرا اعتصاب راه آهن "لطامت جدی" به اقتصاد آمریکا خواهد زد. کمپانی "کرایسلر" اعلام کرد که در صورت اعتصاب راه آهن تعداد زیادی از کارخانها تعطیل خواهد شد. بیش از یک سوم حمل بار در داخل آمریکا از طریق راه آهن صورت می گیرد و اعتصاب کارگران بر صنایع زغال سنگ، اتومبیل سازی، فولاد و شیمیایی تاثیر خواهد گذاشت.

مرکز خبری کارگراسرو: روز ۱۷ آوریل، ۲۳۵ هزار کارگر راه آهن آمریکا برای نخستین بار پس از دهسال برای قرارداد کار جدید، افزایش دستمزد و مزایای درمانی دست به اعتصاب سراسری زدند. به گزارش تایمز مالی، ۱۱ اتحادیه کارگری برای قرارداد کار جدید ۳ ساله با مدیران راه آهن به مذاکره نشستند. یکروز قبل از اعتصاب اتحادیه اعلام کردند که در صورتیکه تا ساعت ۱۲ شب ۱۶ آوریل مذاکرات به نتیجه نرسد از ساعت ۷ بعدازظهر روز ۱۷

ساعت کار در هفته اختصاص داده است. روز ۱۳ آوریل در جشن پیروزی کارگران که در لندن برگزار شد بسیاری از رهبران و مقامات اتحادیهها از جمله "نورمن ویلیز" دبیر کنفرانس اتحادیههای کارگری بریتانیا سخنرانی کردند اما بخشی از برنامه که مورد استقبال شدید کارگران قرار گرفت برنامه کمپین انگلیسی "آرتور اسمیت" بود که با حالت عصبانی گفت: "قرارداد من اینست که ۴۰ دقیقه برنامه اجرا کنم، اما بیخود! من فقط ۳۷ دقیقه اجرا می کنم".

ساعت کار در هفته دست یافتند. یکی از رهبران اتحادیهها در گردهمایی که پس از پیروزی کارگران برگزار شد اعلام کرد که ۳۷ ساعت کار در هفته برای ۶۰۰ هزار کارگر در ۱۶۶۶ کارخانه متحقق شده است. او این کمپین را بهترین مبارزه در جنبش اتحادیههای دهه اخیر توصیف کرد. این گزارش حاکی است که کنفدراسیون کارگران کشتی سازی و بخش مهندسی مبلغ ۷/۱ میلیون پوند در صندوق اعتصاب را برای مرحله بعدی مبارزه یعنی مبارزه برای ۳۵

مرکز خبری کارگراسرو: اتحادیه کارگران کشتی سازی و بخش مهندسی بریتانیا پس از پیروزی در مبارزه شان برای کاهش ساعت کار به ۳۷ ساعت به اولین مرحله کمپین خود خاتمه دادند و برای مبارزه کاهش ساعت کار به ۳۵ ساعت آماده می شوند. به گزارش تایمز مالی، دبیر اتحادیه کارگران، "الکس فری" گفت که ۳۷ ساعت، هدف اولین مرحله کمپین بود و کارگران تمام کمپینهایی که به صندوق اعتصاب کمک کردند به ۳۷

اتحادیههای کارگری فرانسه علیه بیکار سازی

پیروزی نظامیان لس آنجلس

آمریکا، راهپیمائی همبستگی کارگران

مرکز خبری کارگراسرو: روز ۱۰ آوریل، ۴ اتحادیههای کارگری فرانسه برای اعتراض به طرح کمپانی "میشلین" که تصمیم دارد ۱۵ درصد از نیروی کارش را در سراسر جهان بیکار کند تصمیم به اقدام مشترک گرفتند. به گزارش تایمز مالی، بنا به این طرح ۴۹۰ شغل این کمپانی در فرانسه از بین خواهد رفت. نمایندگان اتحادیهها بعنوان اولین قدم تصمیم به اجرای تظاهرات اعتراضی گرفتند و اعلام کردند که برای اقدامات بعدی برنامه ریزی خواهند کرد. رهبران اتحادیه گفتند از آنجا که تنها ۲۰ درصد کارگران این کمپانی عضو اتحادیه هستند عکس العمل کارگری شدید و متشکل است.



راهپیمائی و بیکت زدند

مرکز خبری کارگراسرو: "عدالت برای نظامیان" کمپین اتحادیه کارگران خدمات که برای اتحاد نظامیان در سراسر آمریکا مبارزه می کند به یک پیروزی بزرگ در شهر لس آنجلس دست یافت. به گزارش نشریه کارگری "لیبر نتز" چاپ آمریکا، روز ۲۵ فوریه، شرکت خدمات ساختمانی "برادفورد" سرانجام اتحادیه کارگران را برسمیت شناخت. "براد فورد" بزرگترین شرکت استخدام نظامی در لس آنجلس است که بیش از هزار کارگر قراردادی که اکثریت آنها مهاجر هستند در استخدام دارد. بنا به این گزارش کارگران لس آنجلس ۲۲ درصد افزایش دستمزد در ساعت دریافت خواهند کرد. از روز اول آوریل نیز تمام کارگران نظامی از بیمه درمانی کامل بهره مند شدند. پیروزی کارگران "برادفورد" بدون اعتصاب بدست آمد، علت این امر مبارزه و همبستگی دو اتحادیه محلی سانفرانسیسکو و لس آنجلس بود. اعضای این اتحادیه در اعتراض به وضعیت کارگران "برادفورد" دست به

از مهمترین اهداف راهپیمائی امسال لغو قانون استخدام کارگران اعتصاب شکن در طول اعتصابات کارگری است. دیگر اهداف آن مطالبه رفم سراسری در وضعیت درمانی و همچنین آزادی کامل تشکل در اتحادیه در داخل و خارج کشور آمریکاست. فدراسیون سراسری کارگران آمریکا از تمام اتحادیهها خواسته است در سازماندهی و برگزاری این راهپیمائی شرکت کنند.

مرکز خبری کارگراسرو: روز ۳۱ اوت، دهها هزار کارگر عضو اتحادیه در راهپیمائی روز همبستگی ۱۹۹۱ شرکت خواهند کرد. به گزارش نشریه کارگری "لیبر نتز" چاپ آمریکا، این راهپیمائی در یادبود روز همبستگی سال ۱۹۸۱ که یکروز قبل از روز کارگر و با شرکت ۴۰ هزار کارگر عضو اتحادیه و در اعتراض به سیاستهای دولت ریگان صورت گرفت برگزار می شود. یکی

افزایش دستمزدانگ برای ۷ میلیون کارگردان استرالیا

اعتصاب سراسری کارگران رستورانهای فنلاند

کارگران راه آهن بریتانیا و افزایش دستمزدها

مرکز خبری کارگراسرو: روز ۱۶ آوریل، دستمزد ۷ میلیون کارگر استرالیا ۲/۵ درصد افزایش یافت. اتحادیههای کارگری معتقدند که این میزان افزایش دستمزد کارگران کم درآمد را در وضعیت دشواری قرار خواهد داد. به گزارش تایمز مالی، "کمیسون روابط صنعتی" پس از مذاکره با دولت، کارفرماها و اتحادیههای کارگری میزان افزایش دستمزد را تعیین کرده است. طبق قرارداد جدید دستمزد متوسط کارگران که قبلا هفتهای ۵۹۰ دلار استرالیا بود ۱۵ دلار در هفته افزایش می یابد اما به دستمزد کارگران کم درآمد که حداقل دستمزد یعنی هفتهای ۴۳۲ دلار استرالیا را دریافت می کردند کمتر از ۱۱ دلار در هفته افزوده خواهد شد.

کارگران را زنان تشکیل می دهند. در طی اعتصاب اتحادیه کارگران بخش مواد غذایی، اتحادیه سراسری کارگران فنلاند و همچنین اتحادیه کارگران حمل و نقل از اعتصاب پشتیبانی کردند. این اتحادیهها اعلام کردند که از حمل و نقل مواد غذایی به رستورانها خودداری خواهند کرد. کارگران اعتصابی از مردم خواستند که رستورانها را تحریم کنند. اعتصاب سرانجام در طی مذاکرات اتحادیه کارگران و نمایندگان کارفرماها با توافق بر سر ۳/۹ درصد افزایش دستمزد خاتمه یافت.

مرکز خبری کارگراسرو: کارگران هتلها و رستورانهای فنلاند در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و شرایط کار دست به یک اعتصاب سراسری زدند. اعتصاب روز ۲۸ مارس آغاز شد و سرانجام روز ۵ آوریل با توافق بر سر ۳/۹ درصد افزایش دستمزد خاتمه یافت. مطالبه کارگران در این اعتصاب ۱۰ درصد افزایش دستمزد و همچنین پرداخت حقوق دوره زایمان برای کارگران زن بود. ۵۵ هزار کارگر از مجموع ۷۰ هزار کارگر این بخش در اتحادیه متشکل هستند و اکثریت این

پیشنهاد قابل توجهی برای افزایش دستمزد مطرح نشود اعتصاب خواهد شد، فکر نمی کنم هیچ تردیدی وجود داشته باشد. رهبر انجمن کارکنان ترانسپورت نیز گفت: ۶/۵ درصد یک پیشنهاد سیاسی است که توسط اداره دولتی ترانسپورت دیکته شده است. اتحادیههای کارگران خواهان حداقل ۱۰ درصد افزایش هستند. ۱۲ هزار کارگر قطارهای زیر زمینی لندن نیز قبلا تهدید کرده بودند که در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر از بین بردن ۲ هزار شغل دست به اعتصاب بزنند.

مرکز خبری کارگراسرو: روز ۸ آوریل، رهبران ۳ اتحادیه کارگران راه آهن بریتانیا پیشنهاد راه آهن را برای ۶/۵ درصد افزایش دستمزد رد کردند و احتمال اعتصاب کارگران راه آهن در تابستان سال جاری شدت افزایش یافت. به گزارش روزنامه انگلیسی "دیلی تلگراف"، رهبر اتحادیه سراسری راه آهن و اتحادیه کارگران ترانسپورت که در سال ۱۹۸۹ اعتصابات یکروزه و اختطاری کارگران راه آهن را سازماندهی کرد گفت: کاملا روشن است که اگر

اعتصاب معدنچیان شوروی وارد هشتمین هفته شد

وضعیت کارخانههای پتروشیمی در مکزیکو

دوتسک، و لوو نیز کشیده شده است. یکی از سخنگویان اعتصاب گفت: "هم اکنون اعتصاب به اعتصاب جمهوری ما تبدیل شده است و ما در این اعتصاب با معدنچیان متحد هستیم. ما خواهان استعفاى رئیس جمهور و بهبود استانداردهای زندگی مان هستیم." روز ۱۷ آوریل، معدنچیان ناحیه کورسک در جنوب مسکو برای نخستین بار دست به اعتصاب زدند و در اسوردلوسک رهبران کارگران اعلام کردند که در پشتیبانی از معدنچیان اوکراین روز ۱۸ آوریل اعتصاب اختطاری خواهند کرد. در پریاسک ۳ هزار کارگر اتومبیل سازی تهدید کردند اگر با مطالبه افزایش دستمزدشان موافقت نشود از روز ۸ آوریل اعتصاب خواهند کرد. لیکولای کوریزکو، یکی

پراکنده می شود. بیماریهای پوستی، برنشیت های مزمن، آسم و بیماریهای دیگر از محصولات کارخانهها برای مردم است. آزمایشهای پزشکی که اخیرا پیروی کودکان مکزیکو صورت گرفته است نشان می دهد که آثاری از سرب در خون آنها وجود دارد. اما مگر تمام اینها اهمیتی برای صاحبان سرمایه دارد؟ ۷ سال قبل یکی از کارخانههای پتروشیمی وابسته به دولت منفجر شد و هزار کشته باقی گذاشت. از آنجا که این کارخانه در محل پر جمعیتی قرار داشت ویرانی عمیقی را ببار آورد. پس از واقعه دولت حکمی صادر کرد که کارخانه باید در طی یکسال آتی به محل دیگری انتقال یابد اما این حکم هم بطور جدی اجرا نشد. زمانی که خرید باژرس و مقامات ارزانتتر از چاپباشی کارخانه است اجرای حکم چه لزومی دارد؟

تلخیص از: "لوت اووریه" (مبارزه کارگری)، چاپ فرانسه در اوایل ماه مارس مقامات شهر مکزیکو بعلت وجود دائمی ابر غلیظی از سموم مختلف بر فراز شهر مکزیکو حکمی مبتنی بر کاهش فعالیت ۶۰ کارخانه این شهر را صادر کردند. چند روز پس از این حکم در انفجاری که در یکی از کارخانههای "کلر" در ۵۰۰ کیلومتری مکزیکو روی داد ۴ نفر کشته و دهها نفر مجروح شدند. با اطمینان می توان گفت که این واقعه اتفاقی نبوده بلکه در اثر ناپایمندی محیط کار صورت گرفته است. مکزیکو در سال ۱۹۶۰، ۵ میلیون، در سال ۱۹۷۰، ۹ میلیون و در حال حاضر ۲۰ میلیون جمعیت دارد و بیش از ۶۰ هزار کارخانه و کارگاه کوچک در این شهر وجود دارد. روزانه ۱۲ هزار تن ضایعات و سموم در فضا

کارگران ونزوئلا دولت را تهدید به اعتصاب کردند

مرکز خبری کارگرمروز: کنفدراسیون کارگران ونزوئلا که بزرگترین اتحادیه کارگری این کشور است مبارزه جدیدی را برای ۶۵ - ۲۵ درصد افزایش دستمزد با دولت و سرمایه‌داران این کشور آغاز کرده است.

به گزارش تایمز مالی، روز ۱۰ آوریل نمایندگان کنفدراسیون کارگران در مجلس لایحه‌ای ارائه دادند که در آن خواستار بالا رفتن دستمزد کارگران و افزایش حداقل دستمزد، افزایش حقوق بازنشستگی، و همچنین انجماد اخراج کارگران بمدت ۶ ماه شدند. دولت

و سرمایه‌داران قبلا افزایش دستمزد ناچیزی را بویژه برای کارگران کم درآمد پیشنهاد کرده بودند.

این گزارش حاکی است که کنفدراسیون کارگران ونزوئلا خواهان افزایش دستمزد به نسبت نرخ تورم است که در سال گذشته به ۳۶ درصد رسید. اتحادیه‌ها و گروههای کارگری دولت را تهدید کرده‌اند که برای احقاق مطالباتشان دست به اعتصاب و اعتراض خواهند زد. در هفته‌های اخیر شهرهای بزرگ ونزوئلا شاهد درگیری‌های خشونت آمیز بین مردم و دانشجویان و نیروهای پلیس بوده است.

اتحادیه‌های کارگری ژاپن، تسلیم کارفرماها

مرکز خبری کارگرمروز: اتحادیه‌های کارگری ژاپن در مذاکرات سالانه خود بر سر دستمزد پذیرفتند که به دلیل کندی رشد اقتصاد کشور امسال دستمزد کارگران کمتر از سال گذشته افزایش یابد.

به گزارش تایمز مالی، در طی مذاکرات صاحبان اغلب صنایع پیشنهاد ۵/۶ درصد افزایش دستمزد را دادند. در سال گذشته دستمزد کارگران ۵/۹۴ درصد افزایش یافت. کارفرماها همچنین پذیرفتند که در

مورد کاهش ساعت کار با اتحادیه‌ها مذاکره کنند. اما هنوز مذاکرات به نتیجه قطعی نرسیده است.

بنا به این گزارش، روز ۴ آوریل کارگران رادآهن ژاپن که خواهان ۸ درصد افزایش دستمزد بودند بنا به سنت هر سال تهدید به اعتصاب کردند. کمیته‌های صنایع فولاد رسما پیشنهاد ۴/۳۳ درصد و صنایع برق ۵/۵۵ درصد افزایش دستمزد را داده‌اند. اتحادیه کارگران تلگراف و

تلفن نیز پیشنهاد ۶/۰۳ درصد را پذیرفت و قرار اعتصاب را لغو کرد.

این گزارش حاکی است که کاهش نرخ افزایش دستمزد کارگران ژاپن که در ۴ سال اخیر بی سابقه بوده است برای کمیته‌ها بی‌وزنی محسوب می‌شود.

انتظار می‌رود که علیرغم کمیبود نیروی کار در ژاپن - که در حال حاضر نسبت تعداد متقاضیان کار به مشاغل ۱۰۰ به ۱۴۶ است - امسال سود کمیته‌ها سیر نزولی داشته باشد. □

لایپزیک علیه مزد بخور و نمیر تظاهرات میکند

کارگران کشاورزی، ۱/۵ میلیون مزد بگیر صنایع صادراتی کهنه آلمان شرقی، ۲۲۰ هزار کارگر معدن و ۵۵۰ هزار نفر فلزکار.

میلیونها نفرزائد

در کل ۳/۳۷ میلیون آلمان شرقی‌ای

از: "ال.او. تیدنینگر" ارگان سراسری اتحادیه کارگران سوئد نوشته: کریستف آندرسن

دوشنبه شب در "لایپزیک" بیش از ۷۰ هزار نفر ناراضیان آلمان شرقی در "میدان آگوست"، "میدان کارل مارکس" سابق، جمع شده‌اند. برخلاف پاییز گذشته، این انبوه مردم برای وحدت دو آلمان تظاهرات نمی‌کنند. کسی هم دیگر معمار وحدت، صدراعظم "هلموت کهل" را ستایش نمی‌کند. برعکس.

- بر پلاکاردی نوشته‌اند: کهل و همکارانش را به محاکمه بکشید.

- صفی فریاد برمی‌آورد: کهل وعده‌اش مبنی بر بهبود اوضاع را زیر پا گذارد.

"لهمان گروه" شهردار کل لایپزیک، می‌گوید همشهریان متقلب را آرام کند. بالای سکویی می‌رود و میکروفونی بدست می‌گیرد. صدایش بر میدان طنین می‌افکند.

- من می‌دانم که در "بن" هیچکس بد ما را نمی‌خواهد. پس بیاید علیه دولت خودمان و علیه "صدراعظم خودمان" تظاهرات نکنیم.

هوشدن توسط جمعیت

او بسختی می‌تواند پیش از آنکه هو شود کلامی اضافه کند. انبوه جمعیت می‌خروشد "بس کن، بس کن" و خواستار اخراج بیدرتنگ شهردار از محل سخنرانی می‌شود. تنها در لایپزیک، ۱۴۰ هزار نفر از نیم میلیون جمعیت شهر، بیکار و یا موقتا بیکارند. امید آنها اکنون به "متال - فرانز"، یا همان "فرانز اشتاین کولر" رئیس اتحادیه نیرومند "ا.گ. متال" است. وی اعلام می‌کند:

- همشهریان عزیز لایپزیک، "ا.گ. متال" جانب شماست... اتحادیه‌ای که این تظاهرات، بزرگترین تظاهرات بعد از وحدت آلمان، را فراخوان داده است.

"ا.گ. متال" و "د.گ.ب." اتحادیه سراسری آلمان، می‌خواهند دولت لیبرال - محافظه کار بن را تحت فشار قرار دهند. علت آن دقیقا همین بیکاری رو به تزاید در شرق است که مزد بگیران غرب آلمان را نیز تهدید می‌کند. تنها طی ماه فوریه تعداد بیکاران در آلمان شرقی سابق از ۲۹۸۰۰ نفر به ۷۸۷ هزار نفر افزایش یافته است. علاوه بر این ۱۹۰۳۶۰ نفر از شرقها موقتا بیکار خواهند شد و یا کار نیمه وقت خواهند گرفت: افزایشی معادل ۶۳ هزار نفر.

"ب.ت.بلم"، وزیر بازار کار دولت کهل، در ستاریویی برای آینده می‌نویسد: متاسفانه وضع از این هم بدتر خواهد شد. بیش از ۷۰۰ هزار نفر از کارکنان بخش عمومی در شرق اضافی‌اند. هم‌مظور ۴۰۰ هزار نفر

از شرق بشود. از سوی دیگر، اگر افزایش دستمزد در شرق خیلی بالا باشد، ورشکستگی شرکتهای ملی قدیمی را تسریع می‌کند. نتیجه: مهاجرت توده‌ای ادامه می‌یابد. این با وجود آن است که غربها از محل مالیات سالهای ۹۱ - ۹۲، کمک فوق العاده‌ای معادل ۲۴ میلیارد مارک به شرقها



کارگران متال علیه بیکارسازیهای شرق آلمان - تظاهرات برلین

بپردازند تا در منطقه خودشان به سرمایه‌گذاری‌های نوین اقدام کنند.

این مثل میزان کردن یک ترازو است با تنها یک بار شانس انتخاب سنگ. یک ناکامی منجر به این می‌شود که صدها هزار مردم آلمان شرقی به اینجا بیایند و مزدها را به حراج بگذارند. شرکتهای جا افتاده و موفغر غرب در مغایره رقابت از سوی پیمانکاران تازه بدوران رسیده شرقی‌اند. مزدبگیران از شرق و غرب، می‌روند تا به خاطر شغل به سر و کول هم بکوبند. اینها پیش بینی یکی از مقامات نگران اتحادیه و جزو یک هیات مذاکره کننده "د.گ.ب." است.

تا بحال مذاکرات به نتایج متنوعی انجامیده است:

- اتحادیه متال موفق شده است که در بخشهای شرقی "مکلنبورگ - وریومرن" و "براندبورگ"، یک انطباق مرحله‌ای با غرب را به پیش ببرد. اول آوریل حقوق کارمندان به ۵۸/۵ درصد مزد مشابه در غرب افزایش یافت. دستمزدهای کارگران به ۶۵ درصد افزایش یافت. تا سال ۱۹۹۳ قرار است که مزدها سالانه ۱۰ درصد افزایش یابد. سال ۱۹۹۴ باید مزدها در هر دو بخش شرقی و غربی یکسان بشوند. دو سال بعد، ساعت کار و مرخصیها نیز، در شرق و غرب کم و بیش یکسان خواهد شد. این قرار داد می‌تواند مبنایی برای باقی فلزکاران آلمان شرقی سابق باشد.

تنه‌اشانس اتحادیه

متال و سایر اتحادیه‌های آلمان بزرگی سخت قرار دارند. در مذاکرات بهره انعقاد قراردادهای در آلمان، اتحادیه باید سطح دقیقا مناسب مزدها را بیابد. اگر افزایش دستمزد در شرق کم باشد، مهاجرت توده‌ای به غرب ادامه خواهد داشت. خصوصا اگر قراردادهای غرب خیلی بهتر

- اتحادیه کارگران صنایع کاغذ، اخیرا قرار دادی بسته که از ژانویه ۱۹۹۳ همان مزدهای آلمان غربی در شرق نیز برقرار شود. بعد هم قرار است زمان کار به ۳۷ ساعت در هفته کاهش یابد.

- در بخش خدمات دستمزدها به ۶۵ درصد، در صنایع شیمیایی به ۵۵ درصد، و در شهرداریها به ۶۰ درصد مزدهای مشابه در غرب افزایش یافته است. بعنوان مثال یک پرستار در شرق آلمان اکنون ۱۵۸۰ مارک می‌گیرد. حال آنکه همکار او در غرب مزدی معادل ۲۹۵۷ مارک دارد. سایر اتحادیه‌ها، بر خلاف مثال، هنوز فاقد جدول زمانی برای انطباق با غرب هستند.

افزایش شکاف مزدها

با اینهمه، "فرانز اشتاین کولر" در همان حال خواهان چشم ده درصدی مزد فلزکاران در آلمان غربی است. بموازات انعقاد قرار دادها در شرق، در غرب نیز "د.گ.ب." (اتحادیه سراسری کارگران آلمان) مذاکره را به پیش می‌برد. دولت متقابلا اعلام کرده که خواستهای بالای اتحادیه در مورد دستمزد، مذاکرات در جریان شرق را بهم می‌ریزد. و فاصله با اهالی آلمان شرقی سابق زودتر از آنکه کم شود، افزایش می‌یابد. تا کنون تنها کارکنان کمونیا متقاعد شده‌اند. اتحادیه‌های آنها ناکام، از برپا کردن اعتصابی برای افزایش ده درصدی به حقوق ۲/۸ میلیون مستخدمین دولتی غرب، به قبول ۶ درصد رضایت داده است. ("مونیکا ولف ماتیس" رئیس اتحادیه "اوت.و." این قرارداد یک توافق بزرگ برای اتحادیه است). عقیدت "اوت.و."، کار اتحادیه متال و سایر اتحادیه‌های "د.گ.ب." را برای اینکه بیشتر بگیرند، بسیار دشوار می‌کند.

"هلموت کهل" در یک سخنرانی گفت: این شد قراردادی درست و عادلانه. خواست بحق مزدبگیران برای افزایش دستمزد با امکانات مالی دولت وفق داده شده بود.

قرارداد فاجعه آمیز

اما روزنامه لیبرال و متمایل به حقوق بگیران "فرانکفورت روتنچا" فاش کرده است که چرا کهل تا این حد خشنود است. علت آنست که این قرارداد اصولا به افزایشی منجر نمی‌شود. برعکس:

- از ۶ درصد، ۳/۵ درصد آن به خاطر تورم می‌رود. و بعد از آنکه کهل ۰/۶ درصد "مالیات همبستگی" با آلمان شرقی‌اش را برداشت، در ژوئن مالیاتها ۱/۱۲۵ درصد دیگر اضافه می‌شوند. الباقی به زحمت ۰/۸ درصد می‌شود که به نوبه خود بسرعت توسط افزایش بهره - ناشی از سیاستهای کهل در رابطه با شرق - بلعیده می‌شود. یک موفقیت بزرگ! قبل از هر چیز، این قرارداد یک فاجعه است. دستکم برای مزدبگیران در غرب. □

جنگ عامل بیکاری و بی‌خانمانی کارگران در خاورمیانه

تلخیص از: ماهنامه لیبرنتز نوشته: مارتی روزن بلا

جنگ خاورمیانه برای صدها هزار کارگر مهاجری که در سراسر خلیج شغل خود را از دست دادند هنوز ادامه دارد. بیش از ۸۰۰ هزار کارگر مصری ناچار به ترک عراق گشتند و کارگران یمنی از عربستان سعودی و منطقه خلیج بیرون رانده شدند. نیروی کار چند ملیتی، کارگران هندی، پاکستانی، فیلیپینی، تایلندی و بنگلادشی که در مراحل اولیه جنگ کارشان را رها کردند اغلب ناچار شدند که هزینه بازگشت را خودشان بپردازند و تا چند سال دیگر هم قادر به پرداخت بدهکاری ناشی از آن نیستند. کارگران فلسطینی که بعنوان کارگران میهمان دائمی در کویت زندگی می‌کردند و حتی اگر دهها سال در آنجا اقامت داشتند از حق شهروندی محروم بودند، اکنون تحت بهانه کمک به عراق توسط نیروهای کویتی دستگیر، شکنجه و یا کشته می‌شوند.

جنگ حتی بر زندگی کارگران فلسطینی‌ای که در مناطق اشغالی اسرائیل زندگی می‌کنند نیز تاثیر داشته است. دولت اسرائیل بیش از یکماه منع عبور و مرور ۲۴ ساعته را در غزه و کرانه غربی به اجرا درآورد و به این ترتیب ۱/۷ میلیون کارگر فلسطینی را در خانه محبوس کرد. در طی این مدت کارگران و کشاورزان نتوانستند به سرکار بروند. در اولین روزهای منع عبور و مرور مشکل اصلی اکثریت مردم خرید غذا بود اما حالا برای آنها پولی برای خرید مواد غذایی باقی نمانده است. بیش از ۳۰ هزار کارگر فلسطینی شغلشان را از دست دادند بدون اینکه خسارتی دریافت کنند زیرا کارفرماها ادعا می‌کنند که خود کارگران بر سرکار حاضر نشدند! بعنوان مثال کمیته "اگد پاس" تمام کارگرانش را بدون پرداخت خسارت اخراج کرد.

تلاشهای دولت اسرائیل برای جانشین کردن کارگر اسرائیلی بجای کارگر فلسطینی مسئله تازه‌ای نیست اما این تلاشها از زمان قیام فلسطین در دسامبر ۱۹۸۷ تشدید شد. بعنوان مثال در مورد صنایع ساختمان سازی که کار عمدتا در انحصار کارگران فلسطینی است دولت اعلام کرد که هر کارگر یهودی که حاضر باشد در این بخش کار کند علاوه بر دستمزد از بیمه بیکاری نیز بهره‌مند خواهد شد. اما هنوز دولت اسرائیل در صنایع کلیدی به کارگران فلسطینی متکی است. کارگران فلسطینی در هراسند که با فشاری که وجود دارد در طی چند ماه آتی شغلشان را از دست بدهند. □

جنبش کردستان عراق و جنگ خاورمیانه

عبدالله مهتبی

وضعیت کردها در عراق در شکل یکی از دردناکترین فاجعه‌های انسانی درآمده است. فرار و کوچ میلیونی مردم به مناطق کوهستانی مرزی بدون کمترین حفاظ و توأم با شدیدترین مصائب و مشقتها، مرگ و میرهای فاجعه بار هرروزه پیرها و کودکان از سرما و بی غذایی و بیماری، احساس بن بست، بی پناهی و وحشت، بخشهای بزرگی از یک ملت را در آستانه نابودی و از هم گسیختگی جسمی و روحی قرار داده است. اینها از صحنه‌های دلخراشی که تلویزیونها نشان می دهند نیز می توان فهمید، گرچه گفته می شود که ابعاد فاجعه حتی بیش از اینها است.

مردمی که از ترس انتقام رژیم عراق گریخته‌اند، خود را با تصمیم مرگبار دولت ترکیه رویرو می بینند که مانع پایین آمدن مردم گرسنه و سرما زده از کوهستانهای غیر قابل زیست و غیر قابل کمک رسانی بطرف دستها و به شهرها و آبادیهای ترکیه است. کاری که اگر صورت می گرفت جان هزاران نفر را نجات و مشقات صدها هزار نفر را کاهش می داد. و این علاوه بر تاخیرها و کارشکنیهای عمدی است که دولت ترکیه بنا به مقاصد سیاسی در راه امداد بعمل می آورد، بدون اینکه مورد کمترین فشار بین المللی قرار بگیرد.

در تمام این مدت و هم اکنون نیز جهنم سرد در کوهستانهای مرزی عراق و ترکیه روزانه یک تا دو هزار قربانی می گیرد. کودکان از سو تغذیه و بیماری در آغوش والدیشان پرپر می شوند، پیرها و ضعیف ترها توان از دست داده و از پای می افتند، بدون اینکه هرگز فرصت داشته یابند روزهای پایان این کابوس را به عمر خود ببینند. با اینهمه کاروان میلیونی انسانی بامید گشایشی به حرکت کند خود در میان برف و گل ادامه می دهد.

اما علاوه بر ابعاد انسانی مساله، جریانات اخیر از لحاظ سیاسی نیز پس روی بزرگی برای جنبش ملی مردم کردستان عراق محسوب می شود. بطور کلی مساله کرد، حق تعیین سرنوشت، و جنبه سیاسی مطالبات کردها عامدانه دارد به "مساله آوارگان" و رساندن اولیه ترین کمکهای غذایی و دارویی به این آوارگان تقلیل داده می شود. حتی پیشنهاد اولیه "منطقه امن"، بظاهر اینکه بهر رو ممکن بود در آینده متضمن نوعی موقعیت سیاسی - جغرافیایی برای کردها باشد، کنار گذاشته شد و اکنون تمام تحفه سردمداران "نظم نوین جهانی" برای خلق کرد، "پناهگاه امنی برای آوارگان" است، اردوگاههایی که جز "صبرا" و "شتیلا"ی کردها برای دائمی کردن موقعیت آوارگی آنها قرار نیست چیز دیگری باشد.

چرا و چه شد که مردمی برگزیده عقبه از صفحه اول

مردم کردستان عراق...

ساختند و مردم کردستان را قربانی اعاده حیثیت ارتشی شکست خورده، زخمی، داغدار و تشنه انتقام که آمریکا برای آینده عراق به آن امید بسته است، کردند. رهبران ناسیونالیست کردستان عراق چندین سال است که جلب حمایت قدرت‌های امپریالیستی را در دستور خود قرار داده‌اند. این نیروها از همان زمانی که افکار توده های مردم

از موج اعتراض و خیزشها، که خود را کاملاً پیروزمند احساس می کردند، به فاصله کمی به صورت آوارگان بیدفاع و بی پناهی درآمدند که برای حفظ جان خود به هر چیزی چنگ می آویزند و تحقیر و بدرفتاری و خفت دولت "میزبان" را نیز مجبورند دندان روی جگر بگذارند؟

مردمی که بار بیشترین مشقات این دوره هزیمت و آوارگی را بدوش می کشند، پس از اطفای گرسنگی و یافتن حداقل سرپناهی برای خود و خانواده‌شان تازه در مقابل پرسشهای اساسی و سرنوشت سازی قرار می گیرند که معمولا با اینگونه تکانه‌های شدید و دردناک اجتماعی و سیاسی (جنگها، انقلابات، شکستها، غیره) توأم است.

ابتدا به سیر رویدادها مراجعه کنیم:

کشور عراق چند هفته پس از اینکه دولت آن کشور رسماً شکست نظامی خود را پذیرفت و به شرایط آمریکا و متحدین آن گردن گذاشت، صحنه تحولات پرآدمه، سریع و تکان دهنده‌ای گردید.

بمبارانهای آمریکا و متحدان آن تقریباً تمام روساخت اقتصادی عراق را با قساوت تمام و بدون توجه به اثرات آن بر حیات اجتماعی و مدنی منهدم ساخته بودند. محاصره اقتصادی چند ماهه مشقات مردم را باندازه کافی شدت داده بود.

و بالاخره شکست و گسیختگی بخشهای مهمی از ارتش عراق بدنبال بمبارانهای فشرده و سرانجام حمله زمینی آمریکا و متحدان آن، مشقات و خفت‌های ناشی از شکست در این جنگ بیحاصل و ویرانگر، جنگی که لاجوانه زندگی مردم را بباد داد بدون اینکه لافاقل در موقعیت بهتری ختم شود، دود شدن وعده هایی که داده شده بود، و وانمود کردن اینهمه بعنوان یک پیروزی بزرگ، کاسه صبر مردم را لبریز کرد و شرایط را برای فوران نارضایتی های دیرینه آماده ساخت.

ابتدا شهرهای جنوبی عراق و سپس به فاصله کمی شهرها و مراکز شمال آن کشور، که از کردها تشکیل می شود، سر به شورش برداشتند. مانند بسیاری از موارد دیگر در تاریخ معاصر، شکست در جنگ و مصائب ناشی از آن شرایط و امکان اعتراضات و خیزشهای داخلی را فراهم آوردند.

اینجا دیگر سیاست آمریکا و متحدینش، تصمیم چشمگیری پیدا کرد. تلاش برای سرنگونی رژیم عراق، چیزی که برنامه اعلام شده آمریکا و متحدین آن در جنگ بود، موقتا هم شده در مقابل شورشهای مردم جای خود را به دفاع از حاکمیت دولتی و تمامیت ارضی عراق داد و آمریکا تلویحا و علنا اعلام کرد که از دولت مرکزی در مقابل "آشوب و آتارشی" حمایت می کند. فشار به رژیم عراق آشکارا جای خود را به باز گذاشتن دست حکومت در سرکوب مخالفان داد. مفسران پنتاگون از گردآوری قوا از

را با اینکه "بدون حمایت قدرتهای امپریالیستی نمی توان به مقصود رسید"، شکل می دادند و آن را مبنای توضیح عل روابطشان با آمریکا و غرب ساخته بودند، زمینه های شکست امروز را فراهم می آوردند. این پایه ای ترین علت عدم مقاومت مردمی بود که در عرض چند روز کنترل تمام مناطق کردستان عراق را بدست گرفته بودند.

هیچگاه جنبش کردستان و رژیم عراق در چنین توازن قوایی قرار نداشتند. این جنبش هیچگاه نتوانسته بود مناطقی به این وسعت را در دست داشته باشد. هیچگاه جنبش کردستان عراق از نظر نظامی چنین بر قدرت نبود

طرف حکومت عراق خبر دادند و اظهار اطمینان کردند که این دولت قادر خواهد بود مخالفان را سر جای خود بنشانند.

واحدهای دست نخورده گارد جمهوری از شمال عراق به جنوب اعزام شد و پس از اینکه کنترل شهرهای جنوبی را پس از نیروهای خونین بدست آوردند، بلافاصله بطرف شمال حرکت کردند. در حالیکه حملات اصلی حکومت به کردها شروع شده بود، آمریکا متنوعیت روی پرواز هلیکوپترهای عراقی در آسمان این کشور را، که بلافاصله پس از ختم جنگ برای مقاصد نظامی خود به این کشور تحمیل کرده بود، لغو نمود.

کوبیدن شهرها و مناطق تحت کنترل کردها، و مقدم بر بقیه شهر نفتی کرکوک، شروع شد و پفاصله کمی کنترل بخش اصلی شهرها، و نیز محورهایی که عراق را به سوریه و

ترکیه وصل می کند، به دست قوای دولتی افتاد. کوچ با ابعاد بیسابقه آن آغاز شد. تراژدی انسانی شروع به گسترش نمود و هر دم فراگیرتر و وخیم تر شد.

در کشورهای غربی رسانهها شروع به بخش گوشه‌هایی از این تراژدی انسانی، از این آوارگی و کوچ مشقت بار میلیونی، که بگفته کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان در تاریخ معاصر جهان بیسابقه است، کردند و با اینکار افکار عمومی را تکان دادند. جنگ آمریکا و متحدان آن در منطقه، که مدتها در رسانهها ریاکارانه بعنوان جنگی با رسانتهای اخلاقی معرفی شده بود، اکنون داشت علیرغم میل سردمداران دولتهای غربی جنبه‌های زشت خود را برملا می کرد و آشکارا و بر صفحه تلویزیونها یکی از عواقب هلاکتبار خود را نشان می داد. شغف سردمداران دولتهای امپریالیستی بظاهر پیروزی سریع در جنگ، جنگی که با تمام قوا از آگاه شدن مردم جهان از جنبه‌های زشت و تبهکارانه آن جلوگیری کرده بودند، جای خود را به تلخکامی می داد. افکار عمومی در توهم نگاه داشته

شده، که بظاهر کوتاه مدت بودن جنگ و سرعت پیروزی آمریکا و کمی تلفات آمریکاییها و اروپاییها در آن و نیز خودداری آگاهانه از نشان دادن جنبه‌های کثیف این جنگ، مجال بسیج و سازماندهی اعتراضات موثر را نیافته بودند. پس جنگ آنقدرها هم با هدفهای عادلانه و اخلاقی و با نیات حسنه برای مردم منطقه، آنطور که سیاستمداران کشورهای سرمایه‌داری غرب می خواستند نشان دهند، همراه نبوده است.

در مقابل این وضع دولتهای غربی برای شستن دست خود از بار این مسئولیت، و برای اینکه نگذارند چهره زجرآلود آوارگان کرد تصویر نظم نوین امپریالیستی را بیش از این آلوده کند، به تکاپو افتاده‌اند. ارسال کمکهای غذایی و دارویی اگر نتواند یا اصلا محلی نگذارد که جراحی انسانی عمیق ناشی از احساس خیانت و توطئه را در توده‌های کرد التیام دهد، باری قرار است عذاب وجدانهای لیبرال را تسکین داده و منتقدین دموکرات را آرام سازد. در عین حال در میان این خون و اشک و محنت سیاست امپریالیستی به "پیشرفت" خود ادامه می دهد؛ ابتدا

می بایست جنبش کردها سرکوب شود. قرار نبود جنگ آمریکا در منطقه خیزش توده‌ای، مسلح شدن مردم و وارد صحنه سیاسی شدن آنها از موضع قدرت را موجب شود. باید برای همه روشن می شد که در نظم جدید جهانی جایی برای ابراز اراده مردم، حتی در چهارچوب محدود ملی گرایی نیز، وجود ندارد. تحقق این هدف چندان دشوار نبود. روشن بود که بقای حکومت عراق بستگی به توانایی وی در برآمدن از عهده شورشهای شمال و جنوب دارد و اقدام به آن برای وی حیاتی است و از اولویت برخوردار است. طبعاً حکومت عراق مسئول مستقیم وضعیتی است که بوجود آمده است، اما بدون شک سیاست امپریالیستی نیز در همین راستا بود و همین سیر اوضاع را تسهیل کرد.

اما این تنها جنبه‌ای نبود که سیاست امپریالیستی تعقیب می کرد. پس از این سرکوبها و در نتیجه این سرکوبها، مساله لزوم برکناری دولت فعلی عراق، این بار بر مینا و به شیوه‌ای که آمریکا مایل است، مجدداً م. توانست موضوعیت پیدا کند. لذا پس از اینکه تحلیلگران پنتاگون و سیا

حمايت امپریالیستی نمی توان به مقصود رسید". کافی بود آمریکا و امپریالیستها حتی بی طرف بمانند تا همه چیز بدون مقاومت رها گردد. آنچه این جنبش را چنین از هم پاشاند، بمب بی طرفی آمریکا و امپریالیستها بود که نیروهای ناسیونالیست کرد سالها مشغول ساختن و افزایش قدرت تخریبش بودند. ارتش عراق با خشونت و بمبارانهایش که مردم کردستان بارها شاهد آن بوده‌اند در دل انفجار کارساز بمب بی طرفی آمریکا و متحدینش توانست شهرهای کردستان را به سرعت تسخیر کند.

ناسیونالیسم کرد عل اوضاع فعلی را

با عنصر "خیانت" توضیح می دهد. گویا قرار بود در نظم نوین چرخ بوش از ملت‌های تحت استم احقاق حق شود، گویا قرار بود اپوزیسیون عراق پس از ارتش آمریکا وارد کاخ ریاست جمهوری عراق شوند و تاج صدارت و خودمختاری را تحویل بگیرند. گویا قرار بود در عراق حکومتی بر سر کار آید که ایران از طریق حزب الله عراق بر آن نفوذ داشته باشد. گویا قرار بود در میان هیاهوی آمریکا مبنی بر عدم دشمنی با اعراب و گرمترین روابط با آنها، کشورهای عربی از ۲۲ به ۲۱/۵ تقلیل یابد.

چه توهماتی مردم کردستان عراق را قربانی خود ساخت.

از تثبیت بیش از حد رژیم کنونی عراق اظهار نگرانی کردند. این بار برای همان مردمی که چند هفته پیش سرکوبشان تحت عنوان دفاع از تمامیت ارضی و یکپارچگی عراق مطلوب اعلام می شد، "پناهگاه امن" در نظر گرفته می شود. راهی برای دخالت جدید در منطقه یافته می شود، پرده ساتری بر سیاست امپریالیستی کشیده می شود، و در عین حال طریقی برای کاستن فشار انتقاد از سیاست آمریکا و عواقبی که بهار آورده است، جستجو می شود.

در خود کردستان، رویدادهای اخیر بیشک نقطه عطف تعیین کننده‌ای را در حیات سیاسی خلق کرد تشکیل خواهد داد. حتی ارزیابی از علل این تحولات تا مدتها منشاء مباحثات، اختلافات و انشعابات خواهد بود. چرا و چگونه مردم مسلحی که بدنبال خیزشهای عمومی توانسته بودند مناطق مهمی و منجمله پاره‌ای از منابع نفتی را تحت کنترل بگیرند و مغرورانه آن آینده کشور صحبت کنند، با این سرعت به هزیمت افتاده و به آوارگان گریزانی که به یک لقمه نان محتاجند، تبدیل شدند؟ چرا مقاومت توده‌ای نتوانست سازمان یابد؟ آیا اصلا زمان برای این کار مناسب بود؟ چه عواملی راه را برای اجرای سیاست امپریالیستی بازچیز کردن سرنوشت ملتها و معامله بر سر توده های مردم هموار کردند؟ ماهیت وافق سیاسی رهبری کرد چه نقشی در این ماجرا داشتند؟

طبعاً علت مستقیم و بلاواسطه این کوچ و گریز دسته جمعی مردم ترس از انتقام نیروهای عراقی است، ترسی که با خاطره فجایع گذشته و نیز روشهای قساوت آمیز در هفته‌های اخیر توضیح داده می شود. عوامل متعدد دیگری را نیز برای توضیح این فروریختن سریع حرکت مردم در کردستان عراق می توان ذکر کرد. اما این رویدادها در عین حال نقاط ضعف اساسی را در خود جنبش کردستان نیز بر ملا می کنند.

واقعیت اینست که ناسیونالیسم کرد در سالهای اخیر سیر انحطاط هر چه بیشتری را پیموده و بیش از هر زمان افق سیاسی و استراتژی خود را بر مبنای معامله با امپریالیسم و جدایی و تناقض با منافع توده‌های زحمتکش قرار داده است. رهبری سنتی ناسیونالیستی کرد نشان داد که قادر نیست به توده‌های مردم و مبارزه و بسیج آنها اتکا کند، بلکه بر عکس چشم امید به پشتیبانی آمریکا و به گرفتن سهمی در "نظم نوین جهانی" وی دوخته است. تاوان این افق بورژوازی کرد متاسفانه اکنون به شکل رنج و محنت عظیم توده‌های میلیونی پس داده شده است.

در سال ۱۹۷۵ هنگامیکه جنبش ملی کردها بدنبال توافق دولتهای ایران و عراق با شکست و فروپاشی روبرو شد، جریان ناسیونالیسم رادیکال با نقد خط ناسیونالیسم سنتی کرد مبنی بر معامله گری با امپریالیسم و ارتجاع منطقه به ظهور رسید و صحنه سیاسی اشغال کرد. امروز پس از گذشت ۱۶ سال و در متن یک شرایط جهانی متفاوت، دیگر مرز بین محافظه کار و سنتی با رادیکال و ضدامپریالیست در ناسیونالیسم کرد از میان رفته و این سیکل بسته شده است.

تنها نقد سوسیالیستی از این نقطه عطف می تواند افق جدیدی باز کند. □

چاه توهماتی مردم کردستان عراق را قربانی خود ساخت.



شوراهای اسلامی: هفت سال بی اعتباری

مصطفی صابری

اگر واحد تولیدی را به یک پرندۀ تشبیه کنیم، مدیریت و شورای اسلامی دو بال این پرنده هستند. مدیری که واقعا نخواهد چند صد صد را به چند صد تبدیل کند، یک اشکال جدی دارد.

اینها لطیف ترین تعاریف ممکن، از واقعیت موجودی بنام "شورای اسلامی" در ایران است. این تعابیر در عین حال، آرزوهای به دل مانده شوراهای اسلامی است، که همین بهمن ماه گذشته بار دیگر از سوی یکی از مقامات شوراهای اسلامی، "علی اصغر بادیان" - کسی که چند سال است بعنوان "نماینده کارگران ایران" در مجامع بین المللی شرکت می کند، عنوان شد.

واقعیت شوراهای اسلامی از هر جهت بسیار وحشتناکتر از این تعابیر است.

سپاه پاسداران یا تشکل کارگری

قانون شوراهای اسلامی کار، مصوب سال ۶۳، وظایف متنوعی از ایجاد روحیه همکاری در کارکنان گرفته تا همکاری با انجمن اسلامی، ارکان پلیسی - مذهبی رژیم در کارخانهها، برعهده "شوراها" قرار داده است. اما ماده ۲۰ این قانون تصریح می کند:

"شورای (اسلامی) باید در زمینههای اجتماعی بروز حوادث، مراجع ذیصلاح را مطلع و همکاریهای لازم را معمول دارد."

پسید است که حتی اتحادیههای "زوباتوفی" در روسیه ابتدای قرن، و یا اتحادیههایی مافیایی آمریکا چنین بی پرده و وظیفی همکاری لازم با "مراجع ذیصلاح" در جلوگیری از "حوادث اجتماعی" را رسماً و قانوناً بر عهده گرفته باشند. اما از این شگفت تر "شرایط انتخاب شدن" در شورای اسلامی است، که تنها با شرایط پذیرش در سپاه پاسداران رژیم اسلامی قابل قیاس است:

"چ - اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (تقریر: در اقلیتهای کلمی - مسیحی - زرتشتی وفاداری به قانون

اساسی کافست.)
د - عدم گرایش به احزاب و سازمانها و گروههای غیر قانونی و گروههای مخالف جمهوری اسلامی.

و - تابعیت ایران.
ز - برخوردار از صداقت و امانت و عدم اشتغال به فساد اخلاقی.

ح - عدم وابستگی به رژیم سابق و نداشتن سابقه محکومیت کفری که به حکم دادگاه موجب محرومیت از حقوق اجتماعی شده باشد. (ماده ۲)

در چهار چوب اینهمه شروط اسلامی، مذهبی، ملی، اخلاقی و سیاسی، حیاتی که اکثریت آن با وزارت کار و کارفرماست، باید مطابق تبصره همین ماده "صلاحیت" کاندیدای شورای اسلامی را "تشخیص" دهد. و تازه بعد از این است که طبق ماده ۳، "انتخابات" شورای اسلامی تحت نظر وزارت کار و "آگهینامه انتخاباتی" اش، می تواند انجام بگیرد.

نوزادی که مرده بدنیا آمد

علاوه بر شرایط پیچ در پیچ "تشخیص" و "تأیید" شورای اسلامی، بخش اعظم قانون شوراهای اسلامی به این می پردازد که چگونه شورای اسلامی "منحرف" از وظایف خویش، "منحل" می گردد. ماده ۲۲ حیاتی را بر می شمرد که "توسط وزارت کار تشکیل می شود" و موظف به "تشخیص انحراف شوراها از وظایف قانونی خود و انحلال آنهاست". و ماده ۱۰ تصریح می کند که شورای اسلامی در برابر این هیات ماده ۲۲ مسئول و پاسخگو است. و ماده ۴ برای چندمین بار در قانونی که سرپای آن فقط ۲۹ ماده است، بازم تاکید می کند: "شورا در صورت انحراف از وظایف قانونی خود به تشخیص هیات مذکور منحل می گردد!"

ترس از اینکه میادای شورای اسلامی به چیز دیگری تعبیر شود در هر بند این قانون موج می زند. بنا به ماده ۱۵ تشکیل شورای اسلامی در واحدهای بزرگ کارگری، از جمله در نفت، برق، ذوب آهن، مس و غیره مشروط به موافقت "شورای عالی کار" است. که البته بعد از ۷ سال هنوز نتوانسته تصمیمش را بگیرد!

چنین قانونی سپاه و دهشتناک، حتی با رویای خود دست اندرکاران شورای

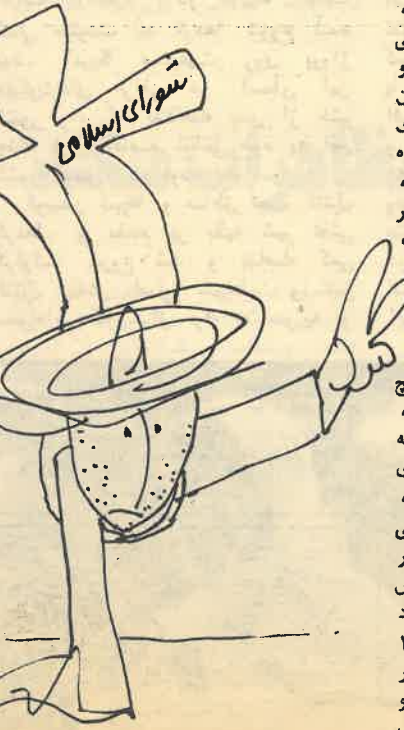
خواستها برپا شده است. آنچه که از طرف رژیم انتخابات شورای اسلامی نامیده می شود در واقع نمایشهای گاه مضحکی برای کشاندن اجباری کارگران به پای صندوقهای رای است که البته همه از پیش می دانند چه چیز از صندوق بیرون خواهد آمد.

"انتخابات" برخی از شوراهای اسلامی بخاطر تحریم گسترده کارگران بارها و بارها تجدید شده است. تلاش گسترده رژیم اسلامی و بویژه دست اندرکاران خانه کارگر برای اینکه شورای اسلامی یا سوار شدن بر روحیات امکان گرایی موجود در بین کارگران، و یا با جلب حمایت جناح راست جنبش کارگری، بتواند لااقل بخشهایی از کارگران را به خود جلب کند، در برابر رادیکالیسم جنبش کارگری ایران کاملاً عقیم مانده است. برای مثال تحریم گسترده مراسم دولتی اول مه سال گذشته که به شوراهای اسلامی واگذار شده بود، بخوبی این واقعیت را منعکس می کرد. "رژمی" دبیر شورای اسلامی کارخانه "توپیه سارا"، یکی از "موفق ترین شوراها" اعتراف می کند: "انتظارات کارگران زیاد و امکانات شورا محدود است. بعد از دو سال فعالیت اعضای شورای اسلامی از چشم کارگران می افتند!"

شوراهای اسلامی در (یک چهارم)

همین بی اعتباری شوراهای اسلامی در نزد کارگران، مهمترین عامل است تا مدیران هم آنها را جدی نگیرند. از نظر غالب مدیران، شوراهای اسلامی نه فقط "بال دوم مرغ تولید" نیستند، بلکه بدلیل گرایشهای تند اسلامی و "دخلتهای بیجا" و ندانم کاریهایشان "مخل تولید" محسوب می شوند. "رژمی" شکایت می کند که:

"شوراهای اسلامی نقش ضربه گیری را دارد که ضربات گاه از جانب مدیریت و گاه کارکنان به آن وارد می شود".
در آغاز هفتمین سال تشکیل شوراهای اسلامی، "مشیریان" مدیر کل سازمانهای کارگری کارفرمایی وزارت کار در مهر ماه گذشته به خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: شورای اسلامی تنها در حدود ۱۴۰۰ واحد از بیش از ۷ هزار واحد مشمول قانون تشکیل شده است. وی علت عدم تشکیل شوراهای اسلامی را، دو عامل "فقدان نیروی انسانی" و "نداشتن بودجه مستقل" ذکر کرد و افزود که وزارت کار مصمم است که موانع سر راه شوراهای اسلامی را بردارد.



بی اعتباری مطلق

نا گفته پیداست کارگرانی که خود تجربه شوراهای سالهای ۵۷ - ۶۰ را بدینال داشتند چه برخوردی با شورای اسلامی - که اساساً علیه آن تجربه حدادی شده - می توانند داشته باشند. کمتر اعتراض کارگری را در طول این هفت سال می توان یافت که مستقیم یا غیر مستقیم مبارزه و اعتراضی علیه شورای اسلامی نیز نبوده باشد. کم نیست اعتراضاتی که یک خواست اصلی آن "انحلال شورا و یا انجمن اسلامی" و یا "اخراج عناصر" آن بوده، و یا صرفاً برای همین

تربیت مجدد

بعد از انتخاب "حسین کمالی"، مشهورترین چهره شوراهای اسلامی، به وزارت کار دولت رفسنجانی، روندی کم و بیش تازه در حیات شوراهای اسلامی آغاز شده که عبارت از نزدیکی بیش از پیش شوراهای اسلامی به دولت و وزارت کار، رفع و کاهش ناهمخوانیهای شوراهای اسلامی و مدیران، تلاش برای برسمیت شناختن عملی شورای اسلامی "بعضاً نماینده قانونی کارگران" از سوی مدیران و دستگاههای دولتی، تقویت مالی و تشکیلاتی و حقوقی خانه کارگر و بالاخره تلاش برای مطرح کردن و تثبیت شورای اسلامی بعنوان "نماینده کارگران ایران" در مجامع بین المللی است. می توان گفت که در واقع رژیم اسلامی با یاس کامل از اینکه شورای اسلامی بتواند جایی در بین کارگران داشته باشد در صدد برآمده است تا تشکیلات سربراه و تربیت شده‌ای را در جوار وزارت کارش داشته باشد. تثبیت شوراهای اسلامی و خانه کارگر بعنوان "تنها تشکیلات قانونی کارگران" در قانون کار اخیر رژیم اسلامی مهمترین قدم در این راه بود. همچنین مدتی است که وزارت کار کلاسهای آموزشی به منظور "توجیه وظایف" برای فعالین شوراهای اسلامی برگزار می کند. حتی صحبت از تعدیل قانون شوراهای اسلامی کار است. و خانه کارگر جمهوری اسلامی طی دو سال گذشته تلاش بیشتری برای گسترش روابط بین المللی به خرج داده است.

از دیگر سو، اما، مبارزه علیه شوراهای اسلامی در جنبش کارگری ایران بطور گریز ناپذیر ادامه و گسترش خواهد یافت. چرا که کارگران در مبارزه برای بدست آوردن حقوق خود بطور روزمره با دستگاههای دولتی بورژوازی، و در قدم اول با شورای اسلامی درگیرند. اگر فقدان تشکل مهمترین معضل جنبش کارگری است، مبارزه علیه شورای اسلامی و تلاش برای از سر راه برداشتن آنها نیز از جدی ترین جنبه‌های مبارزه کارگران است. توقع کارگران ایران از کارگران تمام کشورها اینست که با افشا و طرد ارگانهای سپاه و دست ساخته جمهوری اسلامی از مجامع بین المللی، به مبارزه حیاتی آنها برای ایجاد تشکیلات واقعی خود یاری برسانند. از نظر آنها نشستن با "بادیان" آدمی بر سر یک میز - ولو در سازمان بین المللی کار - غیر قابل فهم است.

نیستیم. اما مخالف آمیختن با شرکتهای دیگر، نظیر آنچه که با ولو انجام گرفته هستیم. یک بررسی نشان می دهد که علیرغم مخالفت "ث.ژ.ت" با معامله ولو، ۷۰ درصد کارکنان رنو از توافقات بعمل آمده با این شرکت سوئدی حمایت می کنند.

مدل سنتی

"کلود سریرا" از "ث.اف.د.ت" می گوید: وقتی که اتحادیه بخاطر ده نفر از اعضای فعال که همراه هزاران نفر دیگر اخراج می شدند، زمین و زمان را بهم ریخت، "ث.ژ.ت" اعتماد از دست داد. "لوسین مرل" از "فورس اوریه" می گوید: "ث.ژ.ت" به یک مدل سنتی اتحادیه که اهمیتی به اوضاع اقتصادی شرکت نمی دهد، سخت چسبیده است. وی معتقد است که "ث.ژ.ت" گزاره نزدیکی بسیارش به حزب کمونیست فرانسه را پرداخته است. یک توضیح دیگر برای آب رفتن "ث.ژ.ت" در رنو اینست که این اتحادیه بطور عمومی اعضایش را از دست می دهد. طی پانزده سال اخیر اعضای "ث.ژ.ت" قریب ۶۰ درصد کاهش یافته است. اما "ث.ژ.ت" در این بحران کاهش اعضای اتحادیه، تنها نیست. سایر اتحادیههای فرانسه نیز مشمول این بحران هستند.

دانیل سانچز می گوید: مدیریت می کوشد که ما را از طریق به اجرا گذاردن مقررات جدید در تقسیم مکانها، از سر راه بردارد. قابل انتظار است که ما برای تقسیم عادلانه مکانها به وزیر کار رو بیاوریم.

به همه چیز (نه) میگویند

علاوه بر جهت گیریهای سختگیرانه مدیریت، دلایل بیشتری برای عقیدت "ث.ژ.ت" وجود دارد. پرسنل رنو کارگر زدانی شده‌اند. در نتیجه کاهش تعداد کارکنان، "ث.ژ.ت" بعنوان یک اتحادیه کارگری حامیان خود را از دست داده است. تعداد کارگران با تحصیلات پایین در رنو کم و کمتر می گردد و در عوض تعداد متخصصین و تکنسینها افزایش می یابد. "ث.ژ.ت" این را دلیل اصلی کاهش آرائش در انتخابات می داند. اما "کلود سریرا" از "ث.اف.د.ت" می گوید: "ث.ژ.ت" به همه چیز "نه" می گوید. آنها به "آگورد اوپوره" (برنامه‌ای برای ترقی کارکنان) نه گفتند، به "ولو" نه گفتند، به "اسکودا" نه گفتند. یکی از اعضای فعال "ث.ژ.ت" پاسخ می دهد: ما به "اسکودا" نه گفتیم چون فکر می کنیم که رنو به اندازه کافی مسئولیت اجتماعی در قبال چکسلواکیی بعدی نکرده است. ما مخالف همکاری با سایر شرکتهای

رنو، "ث.ژ.ت" اکنون ۴۶/۵ درصد آرا را دارد، حال آنکه در سال ۸۸ این رقم ۵۱ درصد بود. در اتومبیل سازی رنو، "ث.ژ.ت" از ۵۴/۶ درصد آرا در سال ۸۸ به ۴۸/۳ درصد آرا نزول کرد. "ث.ژ.ت" خود می کوشد که ناکامی در انتخابات را ناچیز جلوه دهد. وقتی با "دانیل سانچز" عضو رهبری "ث.ژ.ت" در رنو، از واقعه تاریخی که در جنبش اتحادیه‌های فرانسه رخ داده صحبت می کنیم، آه می کشد و می گوید:

- ما همچنان بزرگترین اتحادیه در رنو هستیم. اتحادیه‌ای که مرتبه بعدی را در گروه رنو دارد، (کنفدراسیون دمکراتیک کار فرانسه) که وابسته به حزب سوسیالیست است ۲۴ درصد آرا را بدست آورد. و بدینال آن "اف.او"، فورس اوریه (قدرت کار)، با ۱۲/۴ درصد و اتحادیه کارمندان عالی رتبه، "ث.ژ.ت" با ۱۰/۹ درصد و بالاخره اتحادیه کاتولیکی "ث.اف.ت" با ۲/۸ درصد آرا قرار گرفته‌اند. این اتحادیه‌های "زفرمست"، در برابر "ث.ژ.ت" متحد شده‌اند و اکنون کرسیهای بیشتری در هیات رهبری "کمیته مرکزی" گروه رنو در اختیار دارند. مساله رهبری در گروه رنو قبل از هر چیز در گرو جدال برای بدست آوردن مکان بیشتر در کارخانه اتومبیل سازی رنو است.

ث.ژ.ت فرانسه اکثریت را در «رنو» از دست داد

مدتها در این مجتمع داشته در سالهای اخیر کاهش یافته و اینرا از جمله توافقات اخیر "ولو" و رنو نشان می دهد.

ویرترین جامعه

پیش از این رنو مشهور به "ویرترین جامعه" بود، بدین معنی که در آنجا سیاست پرسنلی بسیار ملایمی پیش برده می شد. اما در پایان دهه ۸۰ مدیریت شرکت شدت عمل پیشه کرد و تعداد کارکنان را وسیعاً کاهش داد. این شرکت دولتی زیان ده می یابست سود آور می شد، امری که طی چند سال اخیر پیش رفته، گرچه سود سال ۹۰ به نسبت سال ۸۹ به شدت کاهش یافته است. "ث.ژ.ت" چوب این جهتگیری جدید مدیریت را می خورد. در آخرین رای گیری که در آغاز سال ۹۱ صورت پذیرفت، برای اولین بار "ث.ژ.ت" نتوانست نه در گروه رنو و نه در شرکت اتومبیل سازی رنو اکثریت را بدست آورد. در گروه

از: "ال.او. تیدینکن" - ارگان سراسری اتحادیه کارگران سوئد

مجتمع اتومبیل سازی "رنو" فرانسه، مدت‌های مدید در تسخیر ناپذیر "ث.ژ.ت" بود. اما در آخرین رای گیری در رنو، "ث.ژ.ت" برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم، اکثریت را از دست داد.

در فرانسه اعتقاد بر این است که پس رفتن "ث.ژ.ت" در انتخابات رنو، واقعه‌ای تاریخی در جنبش اتحادیه‌ای است. "ث.ژ.ت" می گوید که این پس روی ناشی از کم و کمتر شدن کارگران در مجتمع رنو است. اما رقبای وی معتقدند که علت، نه گفتن "ث.ژ.ت" به همه چیز، و تبدیل شدن به ترمزی بر پیشرفت شرکت است. "ث.ژ.ت" (کنفدراسیون عمومی کار)، طرفدار "حزب کمونیست فرانسه" قلمداد می شود و در رنو همواره موضعی متمایل به چپ اتخاذ کرده است. نفوذ ویژه‌ای که چپ

کارگر امروز

گفتگو با رضا مقدم

آغاز دومین سال انتشار کارگر امروز

جای گفتگویی با رضا مقدم در میان مصاحبه‌هایی که کارگر امروز با فعالین جنبش کارگری در کشورهای مختلف انجام داده است خالی است. طبیعا مصاحبه‌گر نمی‌تواند خود رضا مقدم باشد و کسی دیگری باید سوالات را جلوی او بگذارد. من پیشقدم شدم. البته حق این بود چنین گفتگویی در درجه اول به مسائل مطرح در جنبش

کارگری بپردازد. با اینحال به مناسبت آغاز دومین سال کار کارگر امروز این بار درباره خود این نشریه و دورنمای آینده آن با رضا مقدم صحبت کردم با این امید که این شروعی باشد برای صحبت مفصل‌تری با او در مورد مسائل جنبش کارگری و سوسیالیستی.

منصور حکمت

منصور حکمت: بعد از یکسال وقتی به کارگر امروز نگاه می‌کنید، تا چه حد این روزنامه به تصویری که قبل از شروع کار از آن در ذهن داشتید شباهت دارد؟

رضا مقدم: با تصویری که از آن در ذهن داشتم و دارم هنوز فاصله دارد و انتظار هم نداشتم در عرض این مدت به آنجا برسد.

م.ک: تصویر مطلوب چیست؟

رضا مقدم: کارگر امروز باید بین فعالین جنبش کارگری کشورهای مختلف آشنایی و ارتباط ایجاد کند، آنها را از نقطه نظرات هم مطلع سازد و زمینه‌های فراهم آورد تا یکدیگر را ملاقات کنند.

کارگر امروز باید تربیون فعالین جنبش کارگری باشد برای طرح نظرات مختلف پیرامون مسائل جنبش کارگری. کارگر امروز باید در بین فعالین سرشناس و دست‌اندر کار جنبش کارگری کشورهای مختلف بعنوان یک نشریه معتبر شناخته شود و با شرکت آنها سمینارهایی پیرامون مسائل مهم جنبش کارگری ترتیب دهد.

کارگر امروز باید بی‌حقوقی کارگران ایران و سرکوب وحشیانه آن توسط رژیم اسلامی را در جنبش کارگری بین‌المللی منعکس کند.

کارگر امروز باید مدافع سر سخت انقلاب کارگری و کلیه مسائل ناشی از آن باشد.

این نشریه در جنبش کارگری ایران باید به یک وزنه سیاسی تبدیل شود و مقامات رژیم و شوراها را اسلامی و خانه کارگر فشار آترا بر روی خود بیشتر احساس کنند. این از طریق انعکاس بی‌حقوقی کارگران ایران در جنبش کارگری بین‌المللی که توسط این نشریه صورت می‌گیرد امکان پذیر است.

م.ک: چه استقبالی از این روزنامه در میان خوانندگان ایرانی و غیر ایرانی بعمل آمده است؟

رضا مقدم: نشریه‌ای از نوع کارگر امروز در خارج کشور منتشر نمی‌شد. بنابراین لازم نبود به رقابت با نشریه‌ای از نوع خود بپردازد تا خوانندگانش را جذب کند. کارگر امروز به یک نیاز پاسخ گفت و یک جای خالی را پر کرد، لذا مورد استقبال قرار گرفت. البته سبک نشریه در ارائه مطالب و مصاحبه‌هایی که در هر شماره چاپ می‌کند نیز به استقبال از آن افزود.

استقبال از این نشریه در میان فعالین جنبش کارگری کشورهای دیگر نیز زیاد بوده است. کارگر امروز اکنون در ۱۶ کشور توزیع می‌شود و دارد تربیون فعالین جنبش کارگری کشور مختلف می‌شود و وسیله آشنایی و ارتباط آنها با هم می‌گردد. این نشریه مهمترین ابزار انتقال مسائل

می‌شود. نشریه‌ای به زبان آلمانی به نام "فرهنگ کارگری" منتشر می‌شود که اخبار و مسائل جنبش کارگری ایران را منعکس می‌کند. بعلاوه در چندین کشور تشکیل کمیته‌های همبستگی با جنبش کارگری ایران که در جمله نشریه‌ای به زبان محلی منتشر کند در جریان است. با توجه به همه جوانب مسئله فکر می‌کنم بهتر است هدیه تلاشها را تقویت کنیم تا در پی انتشار کارگر امروز به چند زبان دیگر باشیم.

م.ک: این اواخر در یکی دو شهر جلسات دوستداران کارگر امروز تشکیل شده، نظر شما راجع به این کار و توصیه‌تان به آنها چیست؟

رضا مقدم: جمع شدن آنها بدور یکدیگر اگر بتوانند خود را از شیوه‌ها، روش‌های سنتی "چپ" دور نگاه دارند و اقدام ارزنده‌ای است. این کار هنگامی می‌تواند موفق باشد که مطالب نشریه را مورد بحث قرار دهند. پیرامون مسائل جنبش کارگری ایران و کشورهای دیگر جلسات سخنرانی بگذارند، شبنای همبستگی جنبش کارگری ایران با کشور محل اقامت خود، ترتیب دهند و بطور مشخص کارگر امروز کمک کنند. بطور مثال کمک مالی جمع کنند، نشریه را به اتحادیه‌ها و فعالین جنبش کارگری محل معرفی کنند، فروش آترا در بین ایرانیان افزایش دهند، تلاش کنند تا کتابخانه‌ها و اتحادیه‌های بیشتری نشریه را آهونه شوند و غیره.

م.ک: آیا برای اینکه مقاله آدام در کارگر امروز چاپ شود باید از سانسور سردبیر بگذرد؟ کنترل سردبیر روی مطالب نشریه چگونه است؟

رضا مقدم: تاکنون از چاپ هیچ مطلبی به این علت که با مواضع مخالف بوده‌ام جلوگیری نشده است. مقالاتی که تا حال با امضای اشخاص در نشریه درج شده یا همراه نامه‌ای از نویسنده بوده و نشریه را با استدلال به لزوم چاپ آن قانع کرده است یا خود نشریه آترا به نویسنده سفارش داده البته با علم به اینکه از مواضع خیر داشته است.

بیشترین مطالبی که از چاپ جلوگیری شده از نوعی بوده که مستقیما به خواننده امر و نهي می‌کرده است. این نوع مطالب چاپش در نشریات حزبی و سازمانی است که برای اعضایشان وظیفه تعیین می‌کنند. این مطالب مغایر سبک ارائه مطالب نشریه بوده است. از نظر این نشریه نویسنده باید با سبک بیان نظراتش خواننده را به عملی که می‌خواهد ترغیب کند بدون اینکه محتاج به امر و نهي گردد.

بعلاوه اخیرا با اختصاص ستونهایی از نشریه به "فامه به سردبیر" فرصتی برای درج اظهار نظرهای مختلف پیرامون یک موضوع بوجود آمده است.

در پاسخ به سؤال اولتان جهت گیریهای نشریه را توضیح دادم. کارگر امروز کوشیده است آن جهت گیری را در کلیت خود نمایندگی کند و نگران سبک روشنهایی مواضع نباشد. در جنبش کارگری و در بین گرایش رادیکال آن مباحث و نظرات مختلفی وجود دارد. بحث حول جنبش ۳۵ ساعت کار یکی از این نمونه‌هاست.

کارگر امروز مدافع جنبش ۳۵ ساعت کار است. اما بحث حول آترا معین می‌داند. بالاخره اگر جنبش کارگری ایران بخواهد به جنبش جهانی برای کاهش ساعت کار بپیوندد باید فعالیتهای آترا بپذیرند. بدین منظور آنها باید با هم بحث و مجادله کنند تا جنبش کارگری عملا تصمیم خود را بگیرد.

م.ک: چرا خود شما کمتر مطلب می‌نویسید؟

رضا مقدم: انتشار کارگر امروز یکی از کارها و مشغله‌هایی است که دارم. این اولین کار ژورنالیستیم است. بعلاوه ابتدای کار نشریه لازم بود برای یافتن هر آنچه برای انتشارش نیاز داشت، حتی در ریزترین امور، مستقیما دخالت کنم. پس از یکسال و با جا افتادن سبکی که نشریه مطالبش را ارائه می‌دهد و رونقین شدن انجام اموراتش، امیدوارم فرصت بیشتری برای نوشتن پیدا کنم.

نمونه. بحث بر سر جنبش ۳۵ ساعت کار از جمله موارد نادری در جنبش کارگری ایران است که کارگرانی از طریق نوشتن مقاله با امضا در نشریه با هم جدل می‌کنند. این کام ارزنده‌ای است و فعالین جنبش کارگری ایران را آماده می‌سازد تا در یک مقیاس اجتماعی سینه سپر کنند و از نظراتشان دفاع کنند. راستش بدون این، بلوغ سیاسی جنبش کارگری ایران و قد علم کردنش در جامعه با دشواری روبرو است.

م.ک: همکاران این نشریه، بجز آنها که مقاله‌ای ازشان چاپ می‌شود و یا خبرنگار نشریه هستند، معرفی نشده‌اند. آیا قصد معرفی آنها را دارید؟

رضا مقدم: چرا. از همین شماره نام رفقای که بطور ثابت با نشریه همکاری می‌کنند در کادر مشخصات نشریه درج خواهد شد. با این حال باز کسانی باقی خواهند ماند که بشکل مناسبی معرفی خواهند شد. اینها بیشتر توزیع کنندگان نشریه در شهرها و کشورهای مختلف هستند که همینجا باید از زحمات کلیه آنها تشکر کنم. همچنین باید از قادر شافعی برای طراحی آرم کارگر امروز تشکر کنم.

م.ک: بنظر می‌رسد انتشار یکماه یکبار هنوز کم است. آیا انتشار دو هفته یکبار کارگر امروز در برنامه شما هست؟

رضا مقدم: این موضوع پس از بررسی فعلا کنار گذاشته شده است، البته نه بعلت مشکل تهیه مطلب. هم اکنون حجم مطالب تولید شده برای هر شماره کفاف یک نشریه ۱۸ صفحه‌ای را می‌دهد. الان با آنکه به ضرر ظاهر نشریه از عکس و طرح کمتری استفاده می‌کنم تا حجم مطلب هر شماره بیشتر شود باز بسیاری از مطالب تولید شده بلااستفاده می‌ماند.

انتشار دو هفته یکبار حتی از نظر مالی هم بترس نشریه است. چون بخشی از مخارج ثابت نشریه را کاهش می‌دهد. بطور مثال اجاره دفاتر نشریه را که هم اکنون در هزینه یک شماره منظور می‌گردد در هزینه دو شماره سرشکن می‌کنند.

فقدان یک شبکه توزیع که بتواند نشریه را سریع و وسیع بدست خوانندگان برساند باعث شد از انتشار دو هفته یکبار صرف نظر کنیم. البته اگر فروش از طریق آژنتمان افزایش یابد می‌شود انتشار دو هفته یکبار را مجددا بررسی کرد.

م.ک: بعضی طرفدار بیشتر شدن صفحات انگلیسی و برخی هم خواهان انتشار جداگانه صفحات انگلیسی و یا چاپ سه صفحه آخر بطور جداگانه به زبانهای مختلف هستند. جواب اینها را چه می‌دهید؟ بطور کلی نقش صفحات انگلیسی روزنامه را در این یکسال چطور ارزیابی می‌کنید؟

رضا مقدم: ارتباطات نشریه با فعالین جنبش کارگری کشورهای مختلف، مبارزات کارگری که نشریه در آن دخالت کرده و همچنین اعتراضات اتحادیه‌های کارگری که علیه جمهوری اسلامی صورت گرفته است، در همه اینها نقش صفحات انگلیسی را بخوبی می‌شود دید. کارگر امروز بدون صفحات انگلیسی نمی‌تواند به اهدافش برسد.

افزایش صفحات انگلیسی از مطلوبیت نشریه نزد خوانندگان فارسی زبان آن می‌کاهد بدون اینکه به همان میزان به مطلوبیتش نزد خوانندگان غیر فارسی بیافزاید.

انتشار صفحات انگلیسی بطور جداگانه نشریه را از یک نشریه دو زبانه دور می‌کند. اینکه کارگر امروز همانند صفحات انگلیسی به زبانهای ویژه کشورهای اروپایی دیگر هم منتشر شود امکاناتی می‌خواهد که از آن بسیار دوریم. البته هم اکنون تلاسهایی برای انتشار نشریاتی به زبانهای کشورهای مختلف در جریان است که کارگر امروز می‌کوشد به آنها کمک کند.

علاوه بر سه کمپین همبستگی با جنبش کارگری ایران در انگلستان، کانادا و آمریکا که نشریاتی به زبان انگلیسی منتشر می‌کنند مطالب صفحات انگلیسی نشریه به اسم خود کارگر امروز به زبان دانمارکی منتشر

قرار است که در کنار کارگر امروز یک مرکز فروش کتاب مکاتبه‌ای ایجاد شود تا درآمد آن یکی از منابع تامین مالی نشریه گردد. البته این مرکز کتابهایش را به مشترکین نشریه با تخفیف قابل توجه عرضه خواهد کرد.

لازم است بگویم که بخش کوچکی از مخارج کارگر امروز از طریق کمکهای مالی بی‌دریغ کسانی که به این نشریه علاقه دارند تامین می‌شود.

م.ک: صفحات کارگر امروز حاکی از وجود روابط نسبتا گسترده‌ای با بخشهای مهمی از جنبش کارگری اروپا و آمریکا است، این روابط را چطور برقرار کرده‌اید؟

رضا مقدم: اینها ارتباطات فعالین حزب کمونیست ایران با جنبش کارگری اروپا و آمریکا است. نشریه ابتدا توسط آنها معرفی شد و درعین حال ابزار و یاری دهنده این دسته از فعالین حزب

آفیش‌های تبلیغ کارگر امروز در آمریکا

گشت تا روابطی را که داشتند استمرار دهند، استحکام بخشند و فعالیت‌های خود را متعکس کنند. اما اکنون خود کارگر امروز وسیله و ابزار ارتباط گیری و معرفی کسانی شده است که قصد فعالیت در این عرصه را دارند.

م.ک: آیا کارگر امروز مناسبات نزدیکی با طیف کارگران فعال ایرانی که در خارج ایران بسر می‌برند دارد؟

رضا مقدم: بله. این نشریه برای کسانی که قصد فعالیت کارگری در خارج کشور را دارند ابزار مهمی است. هم ماتریال در اختیارشان می‌گذارد و هم فعالیتهایشان را متعکس می‌کند. برای اظهار نظر پیرامون مسائل جنبش کارگری تربیون در اختیارشان می‌گذارد و آنها را از نظرات دیگر فعالین جنبش کارگری مطلع می‌سازد. اکثر مصاحبه‌هایی که در نشریه درج شده این نقش را داشته است.

A law that is broken every day

A brief look at the new Labour Law in Iran

[The following is the abridged version of the article by Mostafa Saaber which was published in the Persian section of the last issue.]

In the last week of December 1990, the highest legislative organ of the Islamic Republic concluded its work of revision on the proposed labour legislation - a bill which had been undergoing amendments and revisions by various state organs for the past nine years. The final approved version was published on 31 December.

'Islam's prettiest reply'

Welcoming the approval of the Labour Law, Mahjoob, head of the government-affiliated 'Worker House' organ, said in an interview on 2 January: "This law is the prettiest reply to the question of what Islam's views are on labour laws and worker rights". Though not as crude as the first draft (1982), which they were forced to take back, along with the labour minister himself, after massive protests by workers, the approved version of the law is still Islamic, particularly where it deals with workers' rights.

Article 5 of the Labour Law says: "People of Iran, from whatever tribe and clan [!], have equal rights. Colour, race, language, and suchlike, will not confer privilege." Religion is not mentioned, since it is assumed that religion will "confer privilege". Religious discrimination is not limited to the fact that only a religious individual, and one who believes in the *Velayat-e-Faghih* ("The Rule of the Clergy"), may run in Islamic Council elections (state-made organs in the workplaces, sanctioned by the Labour Law), or to the fact that the observance of Islamic rites and ceremonies has been given a special status (for instance, the Pilgrims' holiday - Article 67). It also means applying Islamic inquisition: by Article 130, *Islamic Societies* may be set up to "agitate for and spread Islamic culture and defend the achievements of the Islamic Revolution". The fact that the Labour Law is Islamic automatically implies various kinds of discrimination - above all against women.

No strike right, no organisation right

In all the 203 Articles of the Labour Law there is no mention of the word 'strike', let alone accepting the right to strike. Only somewhere there is a cautious mention of "stoppage of work while workers are present", after which it has been added "if necessary, and as long the dispute lasts, the Council of Ministers may run the workshop in whatever way it deems appropriate and at the employer's expense." (Articles 142 & 143). This is the same as what the government does today in the face of strikes: intervention by state organs, clampdown by the security forces, the sacking and detention of militant workers, and putting

an end to strikes "in whatever way it deems appropriate".

In the Islamic Republic Labour Law, organisation right essentially means recognition of the state-made Islamic Councils and Islamic Societies in the name of "workers' organisations"; the same organs which in the past few years have been the main target of revulsion and protest of the workers. People who get into the Islamic Councils, should, according to the Special Law concerning these Councils, have in advance been approved by a number of state authorities and their faith in the 'Rule of the Clergy' ascertained. According to the same laws, the duty of the Islamic Councils is co-operation with the management in order to raise production level, maintain calm in the workplace and even co-operate with the security forces against militant workers.

According to the Labour Law, workshops employing less than ten workers may only have a "legal worker representative". Workshops employing between 10 and 35 workers, may have so-called "trade societies", whose statutes are yet to be written. But Article 138 says that "If necessary, the *Velayat-e-Faghih* may have a representative in all of the aforementioned organisations." It should be noted that in Islamic government the decision of *Velayat-e-Faghih* is above everything else.

Denial of all rights

Workers without strike and organisation right are naturally denied of any real rights in determining the conditions of labour and employment. The Supreme Council of Labour, the most important organ which decides on the general and national conditions of work, is a body "headed by the Labour Minister". Its members include: the Labour Minister, two experts appointed by the Labour Minister, three people as employers' representatives, and three people as workers' representatives, but "chosen by the Supreme Centre of the Islamic Councils" (Article 167). Workers are not to intervene in local collective bargaining either, since the *Islamic Councils* can, by law, conclude such agreements. According to Article 141, contracts will be valid only after the Labour Ministry approves that they "are not in conflict with the country's laws and with government policies". In the case of arbitration boards, too, the government, employers and the Islamic Councils are represented, with equal votes, but the workers have no rights or representatives (Articles 158 & 160).

The harshest possible conditions

In the Labour Law, determination of the basic wage and wage grading is the prerogative of the Supreme Council of Labour and the Labour Ministry. In other words, it is the prerogative of the state, and, of course, of the employers (Articles 41, 48 and 49).

The weekly working time has been specified in the Labour Law as 44 hours. This is to legalize the taking away of the 40-hour week norm implemented by the workers'



MAHMO

councils in many factories from 1979 to 1981. Furthermore, the Labour Law has sanctioned 4-hour daily over-time. So the actual work week can go up to 68 hours (Article 59). On the other hand, there is no mechanism for the reduction of the hours or even for negotiations on them - whether nationally or locally.

Article 27 of the Labour Law says that if the worker "fails to carry out the assigned duties" or "breaches the disciplinary codes", the employer is permitted to sack that worker with "the accord of the Islamic Council". The 'assigned duties' are, of course, those decided by the employer, and the 'disciplinary code' is drafted by the Supreme Council of Labour and approved by the Labour Ministry. Should the worker appeal against the sacking, his complaint will be considered by the aforementioned 'arbitration boards'! All this means sanctioning the sacking of workers at the behest of the employers.

While the Labour Law has shown such generosity to the employers in the matter of redundancies and plant shut-downs, the unemployed workers will be entitled to the meagre and limited unemployment benefit, only after meeting the numerous and complex conditions, and only after "the Labour Ministry approves that the worker is involuntarily unemployed"!

The long-winded sections on

"work safety" bind the employers to no serious commitment against the highly unsafe working conditions which exist in Iran. The section on "women's work" is an open affront to women, wrapped up in patriarchal phrases. Article 75 bans women from "hazardous, harsh and injurious occupations" and from any other types of work "suggested by the Supreme Council of Labour and approved by the Labour Minister". Neither in the Labour Law, nor in any other law

The multitudes not covered by the Labour Law

The Islamic Republic Labour Law should be judged not only by the degree to which it denies rights to those covered by it, but also by the horrendous situation of those vast sections of the working class to whom it does not apply. Foreign workers, and specifically the one to two million Afghan immigrant workers, are the primary victims. "Article 120: Alien citizens cannot be engaged in employment in Iran unless, firstly, they hold visas with specific work permits, and secondly, have received work licenses, in accordance with the relevant laws and statutes." One of these 'relevant statutes' stipulates that Afghan workers are allowed to work only in a certain category of jobs: the harshest and most menial; jobs which are not even covered by any laws whatsoever.

According to Articles 189 to 191, workers in the agricultural, farming, hunting, transport, and domestic-work sectors, as well as those in all the workshops with a workforce less than ten people, "may, if appropriate, be exempted temporarily from certain points of this law". In other words, millions of workers may be subjected to even more slavish rules in accordance with 'statutes' which the Cabinet may later lay down.

A law that is broken

The Islamic Republic Labour Law is the result of a 12-year fight between workers and the government of capital. At the same time it is a law that is breached every day. It is breached by workers who go on strike, hold their general assemblies, and take actions in defiance of such repressive and anti-worker laws. The growing international labour solidarity with the Iranian workers in their fight to achieve the most basic labour rights will be an important boost to this struggle.

has a holiday for the care of the newborn been recognised. The minimum age for professional occupation is specified as 15. ...

In the Persian Section

In addition to the articles appearing in the English section, the Persian section of this issue includes:

- The congress of "Islamic Labour Councils" express gratitude to the Islamic regime of Iran for passing Labour Laws
- Seven years of Islamic Labour Councils, seven years of bankruptcy (article)
- Tabriz (Iran) Tractor-manufacturing plant workers: Wages are promised to go up, but

the prices have already increased! (factory report) • Shahla Karimi, Iranian labour activist woman, on the preparation for may 1st, and the condition of women workers (interview) • Germany: Workers demonstration in Leipzig (article) • France: C.G.T. falls short of majority in Renault (article) • War in Middle East and The Iraqi Kurdish Movement (analysis) • One year of WT publication: Interview with R. Moquaddam, WT editor.

News of workers struggle around the world are published in more detail in the Persian section.

Subscription Form

I would like to subscribe to Worker Today for a period of
 Six months One year

Please send my Worker Today and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Send the filled form to WT address:
 WT, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden

NOTE! In the USA and Canada send to:
 WT, PO Box 241412, Los Angeles, CA 90024, USA

Subscription Rates:

<i>Europe:</i>		<i>Elsewhere:</i>	
1 Year	SKr120	1 Year	SKr180
6 Months	SKr70	6 Months	SKr100

• Institutions double the rates • All prices include p&p.

Workers of pharmaceutical plant in Iran: We have no use for the Islamic Council

In the following interview, the workers of Osveh pharmaceutical factory describe their conditions and their relation with the factory's Islamic Council - the state-made organs formed in some workplaces. The interview appeared in the official weekly *Kar-o-Kargar*, published in Tehran. About 225 workers - 1/3 of them women - work in this factory. Excerpts:

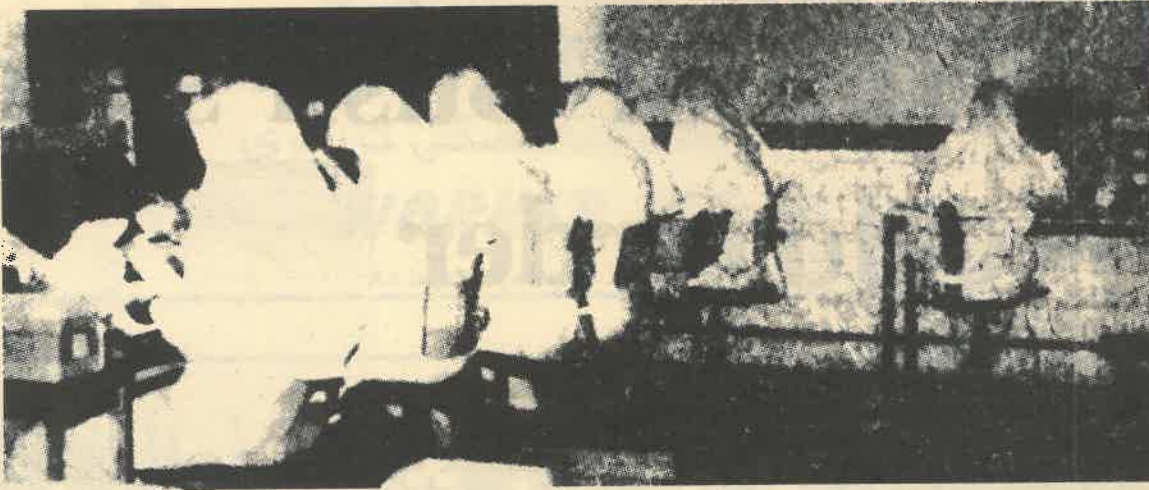
A worker from the packaging section:

- I have been working in this section for the past four years, and my pay is about 46,000 rials [\$33] a month. Our main problem now is housing. I am married and have three children and live in a rented flat.

- We are not satisfied with the insurance scheme, because although they deduct from our wages every month for insurance, when we are actually ill no clinic would accept us.

In answer to the question what he thinks of the new Labour Law, he says:

- Nothing. Because whatever they may do we'll remain the same low-grade workers with the same paltry wages. Our problems won't be solved this way.



Another worker in this section, on the Islamic Republic Labour Law:

- They have been promising us a labour law for a long time, but we have seen nothing yet. ... When they want to give anything to workers they say the law doesn't require it, but we will still give it to you! That is, in the absence of a comprehensive law, giving the workers their rights has become an act of charity and compassion ...

Another worker, in answer to the question whether they take up their grievances with the Islamic

Council:

- We don't have much to do with the Islamic Council, because things have happened that have made the Council to be ineffective. Therefore we don't have relations with them.

Hossein Mirabediny, deputy chairman of the Islamic Council:

- We think there are two reasons why the workers are avoiding the Islamic Council. One is their unawareness of the job of the Councils. And the other is that workers think Councils aren't capable of

doing anything. But this is not the case. So far, when workers have made rational demands these have been accepted by the management.

A woman worker, in answer to the question whether women have any representatives in the Islamic Council considering that a large

Islamic Council, but it doesn't do much, or at least I haven't seen. The previous Council was dissolved half-way, and the new one is not active as such. Women have no representatives in the Council. They have been told this is not possible.

- The wages and benefits are very low, and the job classification scheme has not helped. For example, I am paid 50,220 rials [\$36] a month, and exactly 50,000 of that goes on rent! That is, we are working here day and night for free!

Shojai'ee, from the optical control section:

- I have been working for eight years. The severity of the work is due to working with the eyes. Our eyes are getting weaker and weaker as a result of the constant work. We have a 10-minute break once every hour which helps.

H. Golpayegani:

- Not just me, but the majority of the workers are dissatisfied with the job classification scheme which has been introduced. By this scheme, I am paid 52,000 rials [\$37] a month. But this is very difficult to live on, considering our situation and the inflation rate. I want those in charge to do something to bring down the price of essential goods.

number of the workers in this factory are women:

- The Council doesn't do anything so that we would want to have representatives in it. In fact it is the manager who decides and implements whatever he wants to.

F. Toraby-Nejad:

- Of course we take part in the

From Page 12

Resolution on Labor Conditions in Iran

Whereas: The regime of Iran does not recognize the right to strike.

Whereas: The regime of Iran does not recognize the right to organize freely.

Whereas: The regime of Iran has executed hundreds and imprisoned thousands of labor activists.

Whereas: The regime of Iran has continuously suppressed the labor strikes and actions.

Whereas: The regime of Iran has imposed a very low living and working conditions on the Iranian workers.

Whereas: The regime of Iran has instituted discriminatory laws against women workers.

Whereas: The regime of Iran has legalized child labor.

Whereas: The regime of Iran has executed Jamal Cheragh-Vaisy a utility worker and the union activist and an organizer of the May Day rallies in Iranian Kurdistan.

Whereas: The regime of Iran does not recognize the right to collective bargaining.

Be it resolved: We strongly condemn the anti-labor policies of the regime of Iran.

Be it resolved: We demand the release of all labor activists in Iran.

Be it resolved: We demand the right to strike and form independent labor organizations for the Iranian workers.

Be it resolved: We demand a higher standard of living and working conditions for the Iranian workers.

Be it resolved: We demand that the regime of Iran be expelled from the International Labor Organization (ILO) for its clear and continuous violation of internationally recognized labor rights.

Be it resolved: We support the Iranian workers in their struggle to achieve the labor rights which would safeguard their dignity and freedom as a citizen of the society with the late 20th century standards established by the working people around the world.

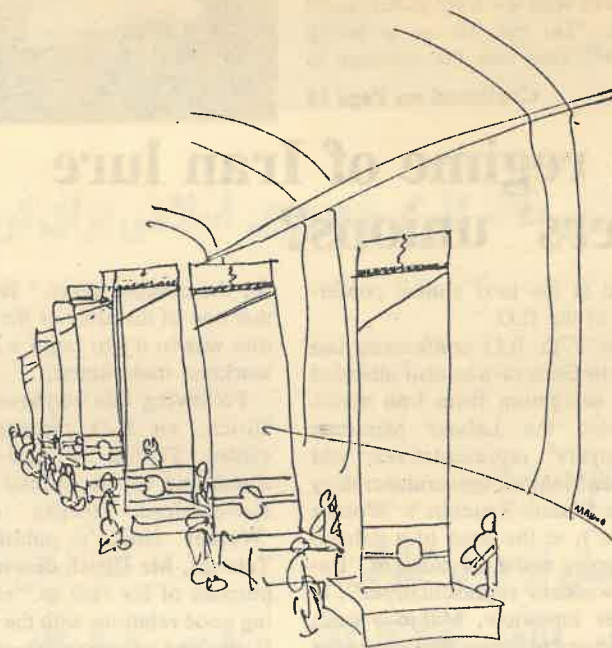
Iran:

Over one thousand killed in unsafe working conditions

WT News Service:

In a recent interview (19/2/1991) with the official Iranian news agency, the deputy labour minister, Khajeh Noory, admitted that between March 1989 and March 1990 workplace accidents caused the death of 1,007 workers. He said that the total number of industrial accidents was 2,000, and that over 50% of these were thus fatal.

The above figures do not tally even with the government's own data published for the past few years, including those for March 1989 to March 1990, according to which between 17,000 and 20,000 industrial accidents were reported. But the government's admission that over 50% of the accidents are fatal goes to show the magnitude of the industrial slaughter to which the workers in Iran are subjected



From Page 12

Victim of Bush's New World Order

the Kurdish leaders. Having achieved their objectives, the US and its allies broke with the Iraqi Kurdish leaders, and let the people of Kurdistan fall victim to the defeated, wounded, and revenge-thirsty Iraqi army; an army on whose rehabilitation US is banking its hopes for the future of Iraq.

For some years now, getting the support of the Imperialist Powers has been on the political agenda of the Kurdish nationalist leaders. The nationalist forces have been

busy preparing the grounds for the present debacle, as early as they started propagating this idea among the Kurdish masses that "without the support of the Great Powers we cannot win." This was the justification of their attempt to establish relations with the US and other Western Imperialists. And this is the underlying reason why the people, who had taken over the whole Kurdish region in a matter of few days, put up no resistance.

Never before had such a favourable balance of forces existed for the Kurdish movement vis-a-vis the Iraqi central government. Never before had the Kurdish movement taken over such a vast region. Never before had the Kurdish movement in Iraq been mili-

tarily so strong, in terms of sheer number (hundreds of thousands) or arms (artillery, tanks, and even 'planes). On the other side, the Iraqi government and army were at their nadir. The aftermath of the Gulf war and the continuing economic sanctions, in themselves, are serious problems for the Iraqi government. On top of these, several towns, in non-Kurdish regions, were out of government control and taken over by the inhabitants. International public opinion is strongly against the Iraqi government, and its army was left butchered by the US and its allies. What on earth happened that the Iraqi army could retrieve the Kurdish towns from Kurdish forces?

One thing and only one thing explains this: the philosophy of Kurdish nationalism, namely, that without Imperialist backing there can be no success.

In order to leave every thing with no sign of resistance, even the neutrality of the US and other Imperialist powers would suffice. What really shattered the Kurdish movement to pieces was the "artillery" of US and other Imperialists' neutrality; the artillery whose destructive capacity the Kurdish nationalist forces have for years been busy increasing. It was only in the midst of the explosions of this "neutrality artillery" that the cruelty of Iraqi army fire could retrieve the Kurdish towns.

Kurdish nationalism explains the

present situation as a result of "betrayal." As if the rights of the oppressed nations were to be restored in Bush's New World Order. As if the Iraqi Opposition were supposed to enter the President's Palace to collect the emblem of presidency or autonomy, in the wake of the march of US army. As if the influence of Iran's Islamic regime, through Iraqi Shiite Hezboallah, were to expand over a newly-formed Iraqi state. As if, in the heat of US propaganda of friendship and non-enmity towards the Arabs, the 22 Arab countries could go down to 21 and half. What monumental illusions!

The Kurdish people of Iraq are victims of these Kurdish nationalist illusions.

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 12, Vol. 2, No. 13, May 1991

صفحه ۱۲، سال دوم، شماره ۱۳، اردیبهشت ۱۳۷۰

IN BRIEF

Britain

• Engineering unions in Britain announced the end of the first stage of their campaign for a shorter working week. The general secretary of the Shipbuilding and Engineering Unions said that 37-hour week had been won at virtually all companies where employees had contributed to a strike fund, according to a report in the *Financial Times*.

• British Coal has announced the closure of a South Wales pit with the loss of 600 jobs. More job losses were also announced by a number of engineering and electricity firms.

Yugoslavia

In Yugoslavia's biggest strike since the second world war, more than 700,000 metal, textile and leather workers stopped work on 16 April over wages. The strikers have warned that they would continue their action with marches if talks with the government do not produce results.

United States

• 235,000 rail workers in the US paralysed leading freight carriers in their first strike in nearly a decade.

• Justice for Janitors, the campaign by the Service Employees International Union to organise the janitors nationally, won a big victory after the largest non-union cleaning contractor in Los Angeles recognised the union. According to a report in *Labor Notes*, published in the US, the contract gains include a 22% pay rise.

Brazil

Metal workers in Brazil's main industrial area began a strike on 15 April to press for pay increases. The strike represents the first industry-wide action since President Collor took office a year ago.

Soviet Union

Thousands of factory workers in the Ukraine began an indefinite strike on 16 April in support of the miners who have been on strike for over seven weeks. Leaders of the striking miners have rejected the government's offer to double their wages over two years and said that they would continue the strike.

Kurdish people in Iraq:

Victim of Bush's New World Order

By Reza Moqaddam

The flight of several million people of a nation with their possessions wrapped up in blankets; their wandering in frozen mountains; their dying from hunger, disease and cold - the children and the aged as the first victims; ascending rugged mountains with the help of crutches; carrying your two-year-old brother or sister - only four years your junior - with frozen feet on mountainous roads; eyes fixed towards the sky, waiting to receive the army's surplus food; getting the lashes of food/blanket distributors for being too intolerant of cold and hunger; digging graves to bury your loved ones; pleading with Turkish soldiers to let you cross the borders which the imperialist powers have created among your people; drowning in the raging river in trying to run away from death; death when you stand, death when you run, death everywhere...

This has become the lot of Kurdish nation in Bush's New World Order. The slaying of hundreds of thousands of Iraqi people in the Gulf war was not enough to assert the US as the sole global super-power. The Kurdish people

also had to be made homeless, and sacrificed in their thousands, so that it would become clear what this New World Order really means; that the hue and cry over "democracy and human rights" was only a propaganda weapon against the rival Eastern bloc, and nothing else.

This has become the fate of a nation whose short-sighted nationalist leaders threw her lot with the US policy and the outcome of the war in the Middle East, tying her destiny to the interests of the US and its Imperialist Alliance. During the course of the war in the Middle East, having sided with US and its allies, the Kurdish nationalist leaders widened the Kurd/Arab national schism, and sacrificed the Iraqi Kurdish movement for the sake of Kurdish nationalism and Bush's New World Order.

At the outbreak of the Gulf crisis, the US and its allies warned the Kurdish nationalist leaders against leaving any negotiation channel with the Iraqi government open. "Do not bet on a losing horse!" That was the message to

Continued on Page 11



Can the Islamic regime of Iran lure European workers' unions?

Following protests by trade unions in Europe against the suppression of labour activists in Iran, the Iranian authorities are to send a twelve-man delegation to meet trade union officials in Europe. The move comes specifically after calls by a number of unions for the expulsion of the Iranian government's delegates from the ILO - the International Labour Organisation.

Revealing this news to *Worker Today*, a high-ranking union official in Europe - who wished to remain anonymous - said that the purpose behind the Iranian government's visit was to try and prevent the protests against it from being

raised at the next annual conference of the ILO.

The 77th ILO conference last June in Geneva was also attended by a delegation from Iran which included the Labour Minister, employers' representatives, and Alireza Mahjoob (general secretary of the Islamic Republic's 'Worker House'), at the head of a delegation going under the name of 'Iranian workers' representatives'. In a later interview, Mahjoob said: "We were planning to prepare the atmosphere so as to stand as candidates to the ILO executive board. But since we knew that we were not likely to be elected this year, we made the necessary propaganda

for the coming years." He added that one of the aims of the delegation was to try to build a Moslem workers' trade union.

Following this conference, Mr Ulrich, an ILO representative, visited Tehran in mid-August. According to the official weekly *Kar-o-Kargar* (organ of the 'Worker House', published in Tehran), Mr Ulrich described the purpose of his visit as "establishing good relations with the Worker House and assessing the resources of this organisation."

The past year's protests by unions in Europe against the execution of Jamal Cheragh-Vaissy and the lack of labour rights in

Iran, have undone the work of 'preparation' of the government and of Mr Mahjoob. The Iranian authorities have reacted by writing letters, through their Worker House and embassies, denying the accusations and inviting trade unions and other international bodies to visit Iran.

Worker Today declares that in order to show the lack of rights of Iranian workers and to prove the execution of labour activists by the Islamic Republic regime, it is prepared and will try to send a delegation made up of well-known labour activists from Iran, now in exile, to accompany any delegation from the trade unions, to investigate the condition of Iranian workers.

Utility workers in the US Solidarity with Iranian workers

WT News Service:

The Utility Workers Union of America (UWUA), local #132, has in a resolution, strongly condemned the Iranian government for its violation of workers' rights. The resolution, which was pro-

posed following the initiative of the activists of the Communist Party of Iran in the United States, was passed at the local's April '91 meeting. Here we publish the full text of the resolution. Local #132 represents 5,000 workers.

Continued on Page 11

INSIDE:

• A look at the new Islamic Republic Labour Law p.10

• We have no use for Islamic Councils p.11

• Deaths in unsafe working conditions p.11

